

نامه  
مردم  
ارگان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۲۰  
پنجشنبه ۲۵ دی ۱۳۵۹، مطابق با  
۸ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

# دو سال بعد از فرار طاغوت: هنور بعد از شاه نوبت آمریکاست

☆ در دومین سالروز فرار شاه ملعون، مردم قهرمان ایران، پاملی شدن اموال طاغوت و بستگانش، مبارزه را در همه ابعاد علیه دشمن اصلی خلق های ایران و جهان - امپریالیسم آمریکا ادامه میدهند.

بعد از شاه نوبت آمریکاست! آسمان وطن در غرش این شعار «شاه رفت» منتشر شدند: مرحله دو سال پیش، در روزی که می لرزید، دیگری از انقلاب به پیروزی شاه ملعون سرانجام گریختو ظهر ۲۶ دیماه ۱۳۵۷، رسیده بود. شاه ملعون، که با بدامان اربابان خود پناه برد، روزنامه های تهران با تیتربزرگ بقیه در صفحه ۲

# کمیته مرکزی حزب توده ایران: گفتگویی با سازمان مجاهدین خلق ایران

صفحات ۴، ۵، ۶

## از توطئه در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بموقع جلوگیری کنیم

و ارتجاع فواید بسیار دارد.

اما این هدف ضدانقلاب و توطئه گرانی است که می خواهند از عدم رضایت کارکنان شرکت واحد، از یکطرف، و عدم آگاهی قشر محدودی از افراد به عمق نقشه های ضدانقلاب، از طرف دیگر، سوء - استفاده کنند و به نیات ضد کارگری و ضدانقلابی خود جامه عمل بپوشانند. در آنچه که مربوط به توده شریف و زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی است، باید گفت که اینان با وجود کار سنگین که در شرایط فعلی بعهده شان واگذار شده، بدرستی می دانند که مسائل شرکت واحد را، باید اولاً با توجه به مصالح انقلاب، ثانیاً، بالا بردن کارآئی فعالیت شرکت و ثالثاً تامین خواست های بحق کارکنان حل و فصل کرد

رعایت مصالح انقلاب در شرایط خطیر کنونی مستلزم آنست که از هرگونه اعتصاب، تحصن، تشنج و نظایر آن در محیط های صنعتی و خدماتی جلوگیری بعمل آید. هیچ تبلیغی و قبیحی، ولو باطرح ضروری ترین خواست های کارگران و کارمندان، نباید باعث شود، که اینان ضرورت حل مسائل از راه مذاکره و حفظ آرامش

بقیه در صفحه ۴

☆ واحدهای تولیدی - خدماتی را با تکیه بر اصول سه گانه تفکیک ناپذیر: مدیریت انقلابی، نظارت شورائی و تشکل صنفی اداره کنیم.  
☆ مسائل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را با توجه به مصالح انقلاب، بالا بردن کارآئی فعالیت و تامین خواست های بحق کارکنان حل کنیم.

ضدانقلاب قصد دارد باردیگر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را به اعتصاب و تحصن بکشاند. حتی صحبت از آنست که این بار اعتصاب به یک ناحیه محدود نخواهد ماند، بلکه مناطق چهارگانه در دوحده عمل، با هم اقدام خواهند کرد.  
هدف ضدانقلابیون از دامن زدن به توطئه اعتصاب در شرکت واحد، هماهنگ ساختن آگاهانه این اقدام با «توطئه هفتم آمریکاست». اینان نقش مهمی برای تشنج در واحدهای کارگری و خدماتی قائلند و بدرستی می دانند که به تشنج کشاندن محیط های کارگری، آنهم در واحدی نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، برای مقاصد امپریالیسم

## طی ۳ روز گذشته، در جبهه های جنوب و غرب دهها تانک و چند انبار بزرگ مهمات دشمن نابود شد

☆ در عملیات ۲۰ دی در جبهه آبادان، ۳ عملی کوپتر دشمن سرنگون و ۵۷ تانک آن نابود شد.  
☆ تجاوزگران صدامی همچنان به بمباران مناطق مسکونی شهرها ادامه می دهند

گذشته تشریح کرده است. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «۱- در جبهه غرب، در عملیات ۲۲ دیماه، ۱۳ دستگاه تانک، یک دستگاه نفربر و یک دستگاه بولدوزر دشمن بکلی نابود شد. در این عملیات یک فروند هلی کوپتر دشمن در ساعت ۱۶ روز ۲۲ دیماه، با آتش توپخانه و پدافند هوایی ما، منهدم شد. در جریان این نبرد، بیشتر خدمه تانک های دشمن بهلاکت رسیدند و تعداد زیادی زخمی شدند. در جریان عملیات روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ دیماه در کیلانغرب، یک تپ پیاده کوهستانی عراق نابود شد و کلیه مدارک مربوط به فرماندهی تپ یادشده به دست دلاوران ما افتاده است.

رزمندگان انقلاب با سرسختی و جانبازی همچنان، دشمنان متجاوز را در جبهه های نبرد خلق با امپریالیسم آمریکا، زیر ضربات پولادین خود گرفته اند. اخبار رسیده نمایانگر پیروزیهای دیگر این سلحشوران انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مصاف با خصم جانیستار است.  
ساز مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۷۳ خود، قسمتی از عملیات نیروهای مسلح را در روزهای

۲- در جبهه جنوب، در محور آبادان - ماهشهر، در روز ۲۲ دیماه، بر اثر آتش شدید توپخانه بقیه در صفحه ۴

## آیت الله منتظری: مسامحه کاریهایی در آموزش سلاح سنگین به پاسداران دیده میشود

جلوگیری میشود.  
بقیه در صفحه ۷

(آموزش سلاحهای سنگین) رابه مسئولین تذکر داده ام و با اینکه شنیده ام این آموزش در سپاه شروع شده، ولی از قرار اطلاع، هنوز آنطور که شایسته است، توجه نمیشود و مسامحه کاریهایی به چشم میخورد. مسئولین محترم توجه دارند که آموزش سپاه پاسداران به انواع سلاحهای سنگین، علاوه بر تقویت بنیه نظامی و مسلح جمهوری اسلامی ایران و بوجود آوردن امکان همکاری و هماهنگی کامل با برادران غیور ارتش در مواقع حساس، موجب تقلیل تلفات و ضایعات انسانی خواهد شد. چه بسا مواردی که اگر برادران سپاه، آموزش سلاح سنگین داشتند، از ریخته شدن خون جوانانی عزیز و فداکار که سرمایه های این مملکتند،

فقیه عالیقدر آیت الله منتظری، در پیامی به سمینار مسئولان آموزشی سپاه پاسداران سراسر کشور، از جمله گفتند: «ملت ما آرزو دارد که سپاه پاسداران بتواند تمام نیروهای جوان و انقلابی را در پوشش خود جذب کند».  
آیت الله منتظری در پیام خود افزودند: «اینجانب کرارا این نکته

وزیر مشاور در امور اجرائی - در جلسه علنی دیروز مجلس گفت:

امریکا هر چه از دستش بر آید علیه انقلاب ما میکند

## آیت الله دکتر بهشتی:

## امپریالیسم جهانی در راه موفقیت نهایی ملت ایران کارشکنی خواهد کرد

☆ دشمنان ما می خواهند جامعه ما امروز متشنج باشد و ملت ما مصمم است، مانع این تشنج شود.  
☆ هیچ تفاوتی بین ریگان و کارتر نیست.

آیت الله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود به سئوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. دکتر بهشتی در ابتدا بقیه در صفحه ۴

برای درهم کوبیدن انقلابیون

بفرمان آمریکا، ارتش های مزدور گواتمالا و هندوراس وارد السالوادور شدند

صفحه ۸

صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### از توطئه در شرکت واحد...

بقیه از صفحه ۱

انقلابی را از یاد ببرند. خودداری و جلوگیری از اعتصاب، تحصن و تشنج در محیط‌های کاری، آنهم محیطی نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی، از عمده‌ترین وظایف انقلابی خود زحمتکشان است و باید با نیروی جمعی خود آنان حفظ و حراست گردد.

اما شرکت واحد اتوبوسرانی، که در شمار بزرگترین و پیچیده‌ترین واحدهای خدماتی شهری به‌عظمت تهران است، محتاج حداکثر کارائی است. با اینکه مسئولیت فردی برای اداره این واحد عظیم ضرور است، بدون شور و مشورت شورائی موثر، ذینفوذ، مورد اعتماد کارکنان و آگاه به مسائل فنی و اقتصادی و مالی، اعتلاء فعالیت و بالابردن کیفیت شرکت واحد اتوبوسرانی تهران مقدور نیست.

سابقه کار ده‌ساله شرکت واحد، صدها فرد آگاه به تخصص‌های گوناگون در دامن این شرکت پرورانده است. اینان می‌توانند و باید در اداره شرکت واحد صاحب نظر و رای باشند. این ادعا، که کارکنان شرکت واحد فاقد صلاحیت شرکت در اداره شورائی این واحد عظیم هستند و بنابراین مدیریت شرکت باید مطلق‌المنان باشد، از پایه، نادرست است. مدیریت شورائی، بدین معنی که مسئولیت فردی مدیر انقلابی و نظارت شوراهای انتخابی کارکنان با هم تلفیق گردد، مدیر در زمین داشتن مسئولیت فردی، اجبار به رعایت پیشنهادهای شورا داشته باشد، بهترین ضامن اداره منظم و بالابردن فعالیت و کیفیت کار شرکت واحد است.

لیکن کارکنان شرکت واحد خواستهای صنفی- اجتماعی نیز دارند که باید اولاً از جانب خود آنان عنوان و ارائه شود، ثانیاً تشکل آنان را در جهت دفاع از منافع صنفی و انقلابی‌شان، که در جریان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما از هم تفکیک‌ناپذیرند، تحقق بخشد. برای تحقق این خواستها، یعنی برای آنکه مطالبات بحق کارکنان شرکت واحد با رعایت مقدرات کنونی، برآورده شود و در عین حال تشکل آنان بسود انقلاب و منافع اجتماعی زحمتکشان صورت پذیرد، کارکنان شرکت واحد محتاج برخورداری از حق قانونی تشکیل انجمنهای صنفی خود هستند.

تشکل کارکنان شرکت واحد در انجمن‌های صنفی (اتحادیه‌ها و سندیکاها) و برخورداری آنان از حقوقی که اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی و قانون کار مقرر داشته، موجب آن می‌شود که در وجود انجمنهای صنفی (اتحادیه‌ها و سندیکاها) سازمانی که قادر به دفاع از انقلاب و مانع از استفاده ضدانقلاب از تفرقه در میان کارکنان باشد، بوجود آید. بعلاوه، انجمن‌های صنفی (اتحادیه‌ها و سندیکاها) خود بهتر از هر ارگان دیگری قادر به تعدیل خواستهای کارکنان و مجری بهترین روشها بسود انقلاب و منافع کارگران و زحمتکشان خواهند بود.

مدیریت انقلابی با مسئولیت فردی، نظارت موثر شورائی و تجمع و تشکل صنفی (سندیکائی) کارکنان در همه واحدهای تولیدی و خدماتی، بویژه در واحدهای عظیم نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی، بهترین نتایج را از نظر مصالح انقلاب، بالابردن کارائی تولید و خدمات و حل و فصل خواستهای کارکنان در جهت تقویت مواضع جمهوری اسلامی ایران، خنثی کردن توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و امپریالیسم جنایتکار جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، بدست می‌دهد. نفی مدیریت انقلابی با مسئولیت فردی و یا مخلوط و مخلوط کردن روافف شوراهای و سندیکاها، به هیچ‌شمردن نقش شوراهای در نظارت بر تولید اجتماعی و مخالفت با تشکل‌های صنفی زحمتکشان، تحت این عنوان که گویا سندیکا یا «مطافرتی» و یا «کمونیستی» است، موجب انحلال عظیم در اداره تولید و خدمات و تنظیم روابط کار و فعالیت در جامعه انقلابی ما شده است. باید به این وضع سروصورت منطقی و انقلابی بدهیم.

ما ضمن اینکه به مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد توطئه‌های ضدانقلاب در واحدهای عظیم تولیدی و خدماتی، نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی، هشدار می‌دهیم، توجه آنان را به درک اهمیت و بکاربردن شیوه‌های ضرور و منطبق با مصالح انقلاب در مرحله کنونی رشد آن نیز جلب می‌کنیم. وقت آن رسیده است که اصول سه‌گانه تفکیک‌ناپذیر: مدیریت انقلابی با مسئولیت فردی، نظارت موثر شورائی و تجمع و تشکل صنفی (سندیکائی) را بعنوان منطقی-ترین شیوه انقلابی در اداره مسائل مربوط به تولید و خدمات و حل و فصل مسائل کارگری بکار بندیم و از نتایج مفید و موثر آن در دفاع از انقلاب، احیاء فعالیت و کارائی در محیط‌های تولیدی و خدماتی، تشنج‌زدائی و استقرار آرامش در محیط‌های کارگری برخوردار شویم. توجه داشته باشیم که نقض هر یک از این اصول سه‌گانه، چنانکه دوران پس از انقلاب بدرستی و بوضوح نشان می‌دهد، نتیجه‌ای خلاف مصالح و منافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، که حفظ آن باید مقدم بر هر چیز باشد، ببار می‌آورد.

کارگران و زحمتکشان ایران انقلابی! کارکنان شریف و مبارز شرکت واحد اتوبوسرانی!

برای تحقق نظم تولیدی - خدماتی بر پایه مدیریت انقلابی، نظارت شورائی و تجمع و تشکل صنفی، چنانکه در این نوشته متذکر شده‌ایم، مبارزه کنید. اما بهوش باشید که خواستهای شما، چه در زمینه بهبود شرایط کار و زندگی، چه در زمینه فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی، در شرایط کنونی انقلاب عظیم خلق ما و توطئه‌های گوناگون امپریالیسم جنایتکار آمریکا و جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام، فقط و فقط در شرایط حفظ آرامش در محیط‌های کار و زندگی شما می‌تواند تحقق یابد. هرگونه اعتصاب، تحصن، راهپیمائی و تشنج بسود دشمن طبقاتی شما، یعنی امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی است، که سرمایه‌داری وابسته و زمینداری بزرگ هسته مرکزی آن را تشکیل می‌دهد.

بهوش باشید! آرامش در محیط‌های کارگری را مانند مردمک چشم خود حفظ کنید. این مهم‌ترین وظیفه زحمتکشان در لحظه حساس کنونی است.

### هنوز بعد از شاه، نوبت امریکاست...

بقیه از صفحه ۱

اربابان او، امپریالیست‌های جهانی، بسرکردگی آمریکا، راه مشترک خویش را با شاه مدفون ادامه داده‌اند.

در دوسال گذشته، امپریالیسم آمریکا توطئه‌های زنگارنگی علیه مردم قهرمان ایران تدارک دید و در مرحله اجرا درآورد. در دو سال گذشته، بر اثر این توطئه‌ها، هزاران نفر دیگر از مردم قهرمان ما به شهادت رسیده‌اند و یا مجروح شده‌اند. در دو سال گذشته، امپریالیسم آمریکا با دو تاکتیک «مسخ انقلاب و سرکوب انقلاب»، کوشیده است مردم قهرمان ما را بزانو درآورد و بار دیگر وطن ما را به عراد، غارت و جنایت امپریالیسم ببیند. در طول این دو سال، خلق قهرمان ایران با فریاد «هرگ بر آمریکا» رزمیده‌اند و همانطور که رهبر انقلاب گفت: «هشام فریاد خود را بر سر آمریکا کشیده‌اند.

این نبرد سترگ تاریخی ادامه دارد. مردم قهرمان ما، شعاری را که در روز فرار شاه ملعون فریاد زدند، با تمام هستی خود دنبال می‌کنند. خلق‌های ایران به تجربه می‌دانند که استقلال واقعی، آزادی راستین، ترقی و سعادت، و پیروزی قطعی و نهائی انقلاب در گرو تحقق این شعار، یعنی ریشه کن کردن دشمن اصلی - امپریالیسم به سرکردگی آمریکا است.

آنگون، دو سال بعد از فرار شاه ملعون، مردم قهرمان ما در دیگر مصاحبه تاکید کرد که: «مسئله اساسی اینست که دشمنان ما میخواهند جامعه ما امروز متشنج باشد و ملت ما مصمم است، مانع این تشنج شود».

دکتر بهشتی درباره لایحه‌ای که در ارتباط با مسائل مالی بین شرکت‌های آمریکایی و ایران، به مجلس داده شده است، گفت: «پیشنهاد حکمیتی که طرفین آن را پذیرند، دست ایران را به هیچ‌چیز نمی‌بندد. چون ایران به هیچ‌عنوان زیر بار حکمیت‌های آنت دست آمریکا نخواهد رفت».

آیت‌الله بهشتی در جای دیگر، درباره مسائل مربوط به «گروگانها» و ارتباط آن با آمدن ریگان به کاخ سفید تاکید کرد که: «هیچ تفاوتی بین ریگان و کارتر نیست».

از دکتر بهشتی درباره قانون احزاب و ذکر موادی درباره تماس مستقیم احزاب و گروه‌های سیاسی و غیره با سفارتخانه‌ها و بیگانگان، در این قانون، گفت: «تماس دوگانه است: یک وقت است که مذاکراتی انجام می‌گیرد. غنی. این مرسوم است که احزاب در دژا با احزاب کشورهای دیگر تماس می‌گیرند، از وضع هم خبر می‌شوند، از خطوط یکدیگر خبر می‌شوند، این يك امر معمولی است در دنیا. یک وقتی است که تماسهای جاسوسی است. این هم برای احزاب گناه است و هم برای افراد. فرقی این‌ها از این نظر با یکدیگر ندارند و بوشک هیچ قانونی به هیچ فردی و به هیچ‌کس جزئی اجازه فعالیت‌های جاسوسی و تانیهای که بر ضد منافع ملت باشد، نمیدهند».

### امپریالیسم جهانی...

بقیه از صفحه ۱

درباره جنگ تحمیلی عراق به ایران گفت:

«از آغاز جنگ مکرر این نکته یادآوری شده که امپریالیسم جهانی در راه موفقیت نهایی ملت ایران کارشکنی‌ها خواهد کرد، حاذقه‌ها خواهد آفرید و ملت قهرمان ایران باید برای يك نبرد طولانی با این حاذقه‌آفرینان آماده باشد».

آیت‌الله بهشتی در قسمت دیگر مصاحبه خود درباره دیدار دیروز خود با سفیر رومانی، از جمله گفت:

«سفیر رومانی درباره مسائل مربوط به کمک‌هایی که روابط اقتصادی میان دو کشور، می‌تواند بوجود آورد صحبت کرد و روابط تجارتهای ما با رومانی داریم و اینکه چگونه می‌شود این روابط را با حفظ کامل استقلال هر دو طرف به ثمر رساند».

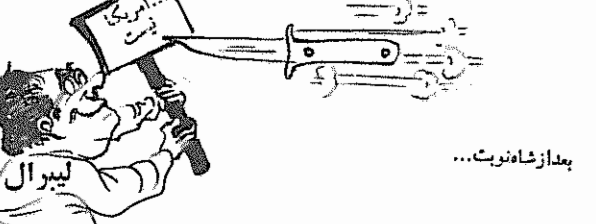
«یکی از نماینده‌های مجلس درباره کنفرانس اسلامی گفته است: آمریکای جهانخواهر کنفرانس سران اسلامی را برای سرکوبی جمهوری اسلامی تدارک دیده است. نظر شما چیست؟»

دکتر بهشتی گفت: «بوشک، کنفرانس اسلامی از کسانی تشکیل نمی‌شود که هر يك برآستی نماینده مردم کشور اسلامی خویش باشند. در میان این سران کسان زیادی هستند که برآستی نماینده کشور خویش نیستند. بنابراین، چنین گروه‌هایی‌ها، صد درصد در خط‌تأمین اسلام و مسلمین بکار گرفته نخواهد شد».

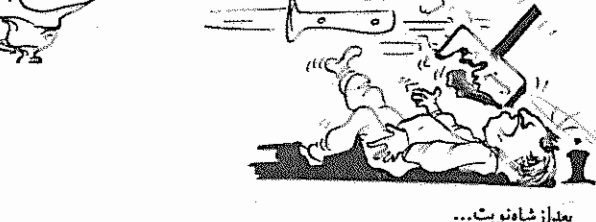
آیت‌الله بهشتی در قسمت



بعد از شاه نوبت...



بعد از شاه نوبت...



بعد از شاه نوبت...



امریکا...

نبرد برای پاساژ صغری و صغری طاعت و طاعتیان، شیطان بزرگ و شیطانهای کوچک در تمام ابعاد آن ادامه دارد.

حزب توده ایران، که در دو سال گذشته، هم مانند همه تاریخ پرافتخار خود، در فضیلت صوف خلق قهرمان ایران، علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا، و مزدوران آن رزمیده و گروهی از بهترین فرزندان خود را نثار انقلاب کرده است، در این واقعیت تاریخی تردید ندارد که مردم قهرمان و متحد ایران، برهبری امام خمینی، یوزده امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را نیز، بدنبال نوکر تاجدارش بر خاک خواهند مالید.

نبردی رویارو با تجاوزگران برانگیخته آمریکا، یعنی لشکریان صدام هستند.

آنگون، در سال بعد از شعار «بعد از شاه، نوبت امریکاست» مردم قهرمان ما با خطر تهاجم مستقیم نظامی آمریکا روبرو هستند. و امروز، در دومین سالروز فرار طاعت، مردم قهرمان ایران یکپارچه و متحد، آماده‌اند تا نبرد خود را تا پایان ادامه دهند و امپریالیسم خونخوار و غارتگر و تجاوزکار را از تسلط مجدد بر خاک میهن انقلابی خود، ناامید کنند.

در همین روزها، مجلس شورای اسلامی ایران، لایحه ملی شدن اموال شاه ملعون و بستگان او را تصویب می‌کند. باین ترتیب،

### دهها تانک...

بقیه از صفحه ۱

و سلاحهای سنگین رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۰ دستگاه تانک، یک قبضه خمپاره انداز، یک انبار مهمات و ۳ سنکرنیروهای ارتش صدام مزدور، بکلی منهدم شد. همچنین با اجرای آتش توپخانه رزمندگان ما، یک انبار مهمات دشمن در محور دارخوین-سارده، به آتش کشیده و منهدم شد.

۳- رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در عملیات ۲۰ دیماه در جبهه شمال شرقی آبادان، توانستند ۳ فروند هلی کوپتر دشمن را سرنگون کنند که سقوط يك فروند آنها در اطلاعیه‌های قبلی گزارش شده است. در این عملیات ۵۷ دستگاه تانک، ۳۴ دستگاه خودرو، یک قبضه تیربار کالیبر ۵۰، منهدم و ۴ انبار مهمات ارتش عراق به آتش کشیده شد و جمعا ۲۱۲ تن از سربازان صدام مزدور کشته و زخمی شدند.

۴- از ساعت ۱۷:۴۰ پیروز (۲۲ دیماه) شهر دزفول، زیر آتش توپخانه دشمن قرار داشت که بر اثر آتش توپخانه دشمن، ۹ تن از همپیمانان عزیزمان مجروح و ۲ تن به درجه شهادت نائل آمدند. ۵- روز ۲۲ دیماه، جان بر کفان شده‌اند.

### به خواستهای بحق کارگران شرکت «آرسنال» هر چه زودتر رسیدگی کنید!

عدم پرداخت دستمزد کارگران آنهم در چنین زمانی زمینه را برای فعالیت مخرب ضدانقلاب فراهم می کند.

چندی پیش گروهی از کارگران شرکت ساختمانی «آرسنال» به علت عدم دریافت حقوق سه ماهه، ضعف مدیریت و عدم برخورداری از حداقل امکانات رفاهی، دست از کار کشیدند.

شرکت ساختمانی «آرسنال» با حجم کاری در حدود هشتصد میلیون ریال، بیست و یک مرحله سوم شرکت واگن پارس - آراگه است. این شرکت با ۹۰ کارگر و کارمند، مدت شش ماه است که شروع به کار کرده، ولی تاکنون در ارتباط با حل مسائل کارگری، از قبیل تهیه سرویس، غذاخوری و دفترچه بیمه کارگران هیچگونه اقدامی بعمل نیاورده است.

کارگران این شرکت، با وجود تحمل کمبودها و ناراحتی های فراوان، به کار خود ادامه دادند. اما به علت عدم دریافت حقوق سه ماهه، ۶۷ نفر از آنان که با خانواده خود در شرایط بسیار بدی زندگی می کنند، به عنوان اعتراض دست از کار کشیدند. کارگران در این مورد می گویند:

«ما تمام کمبودها و نواقص را به خاطر وجود شرایط حساس کنونی تحمل کرده ایم. اما عدم دریافت حقوق، آنهم به مدت ۳ ماه، برای ما که هیچگونه ممر درآمد دیگری نداریم، برای ما کارگران که گرانترین طاقت فرسا بردوش مان سنگینی میکند، قابل تحمل نیست. زن و فرزندمان ما نان میخوانند جواب آنها را چه بدهیم؟»

کارفرمای شرکت ساختمانی «آرسنال» علت عدم پرداخت حقوق کارگران را «بی پولی شرکت و تعطیل شدن کار صرافها - که در گذشته وام های شرکت را تامین می کردند» می داند. او همچنین

از کارگران خواسته است که به مدت ۱۰ روز کارگاه را تعطیل کنند. تا پس از این مدت، با آنها تسویه حساب شود، که این خود به معنای اخراج کارگران از شرکت است.

می دانیم که طبقه کارگر ایران همواره در صف مقدم مبارزه، چه در دوران مبارزه علیه رژیم طاغوت و چه هم اکنون، در جبهه های نبرد علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام قرار داشته است. نیز می دانیم که طبقه کارگر ایران به

پیروزی نهایی انقلاب دل بسته است و تا این زمان تمام مصائب و مشکلات ناشی از دشواری های پس از انقلاب را به جان خریده است. از سوی دیگر واقعیت زندگی این طبقه محروم جامعه را نمی توان از نظر دور داشت: مخارج سرسام آور زندگی، بردوش کارگران سنگینی می کند.

### کارگران ریخته گر تهران:

حک تجا و زکارانه ای که امپریالیسم آمریکا به وسیله رژیم صدام به کشور انقلابی ما تحمیل کرده است، ادامه نوطه های قبلی آمریکا در جهت تضعیف و براندازی جمهوری اسلامی ایران است.

این جنگ که از یک سو سبب خسارات بسیار زیاد مالی و جانی برای مردم ایران شده، از سوی دیگر یکپارچگی و وحدت صفوف خلق را در مقابل متجاوزان نشان داده است.

در این جنگ نیز مانند همیشه طبقه کارگر پیشتاز دفاع از میهن انقلابی خویش است. کارگران ایران در همه حال با هوشیاری و قاطعیت به مبارزه علیه امپریالیسم ادامه می دهند.

در این زمینه با چند تن از کارگران ریخته گر کارگاه های خیابان فدائیان اسلام گفتگویی داریم:

در ابتدای کوچه ای تلی از آهن پاره و ماشین های اسقاط شده به روی هم انباشته شده است. شیب کوچه را پشت سر می گذاریم و وارد قسمت هموار آن می شویم. با ریکه های آب درشیا رهای زمین نفوذ کرده و، بر اثر راکد ماندن، به لجن تبدیل شده اند. در این کوچه حدود ده کارگاه ریخته گری وجود دارد و خاک کوچه در قسمت هایی که این کارگاه ها قرار گرفته اند، به سیاهی میزند.

کارگران این کارگاه ها اکثرا مهاجرینی هستند که، بدنهای لقمه ای نان، سال های سال است از زادگاه خود بدور افتاده اند. آن ها در ابتدای جوانی وارد کارگاه ریخته گری شده اند و هر کدام بعد از چندین سال کارکردن پای کوره آتش، گویی سلامتی شان به همراه دود های آتش به هوا رفته است. حرارت ۱۴۰۰ درجه ای کوره و دود و دم فراوان آن، بعد از مدتی سبب از بین رفتن چشمها، دندانها و خرابی سینه ها می گردد. حال آنها سرنوشت کارگران مسن این کارگاه ها، در مورد جوانانی که تازه شروع کرده اند نیز تکرار خواهد شد؟

فقدان وسایل ایمنی کار، از قبیل ماسک، عینک و لباس های مناسب و اغلب به یاد داشتن فقط یک دمپایی در مقابل آتش، خود برضایعات ناشی از کار می افزاید.

بیمه نیستند، قانون کار شامل آنها نمی شود. روزهای تعطیل از حقوق محرومند و حقوقشان نیز از ۱۴۰۰ الی ۱۵۰۰ تومان در روز تجاوز نمی کند. تازه فقط با ۱۰ تا ۱۱ ساعت کار می توانند چنین مزی در یافت کنند.

اتحادیه دارند، ولی اصلا به دردهایشان رسیدگی نمی کند.

کارگران شرکت «آرسنال» نیز از قاعده فوق مستثنی نیستند. این کارگران خود تصریح می کنند که: «با وجود تمام مشکلات، با زهم کار کردیم». در حقیقت آنها محرومیت ها و فشار زندگی را به جان خریدند و چرخ های تولیدی شرکت را برآه انداختند. در چنین حالتی، عدم پرداخت مزد به کارگران، به هر بهانه تنها می تواند چوب لای چرخ

## تازمانیکه انقلاب هست، توطئه از جانب آمریکانیز هست

**\* پیروزی ما در این جنگ حتمی است.  
\* این جنگ سبب اتحاد بیشتر مردم و شناخت درست  
دوستان و دشمنان انقلاب گردیده است.  
\* کارگران باید برای مقابله با جنگ بیشتر تولید کنند.  
\* علت جنگ، جلوگیری از گسترش انقلاب ایران است.**

روای اتحادیه در فکر همه چیز و همه کس جز کارگران هستند. تلاش کارگران این صنف برای ایجاد اتحادیه ای که مستقل باشد و باری را از دوشان بردارد، به جایی نرسیده است. با تمام این مشکلات و با همه فقر و مسکنتی که دارند، وقتی نظرات آن ها را راجع به جنگ تحمیلی عراق به ایران و مبارزه با امپریالیسم آمریکا می شنویم و روحیه رزمندگی آن ها را می بینیم، در دل می گوئیم:

چنان امپریالیسم کور است و این همه شور و شوق انقلابی خلق ها را نمی بیند و همچنان خیال به بند کشیدن و غارت آن ها را دارد.

از کارگران علت جنگ را جویا می شویم؟ می گویند:

«این جنگ، جنگی تحمیلی از طرف آمریکا و سایر امپریالیست ها و رژیم های مرتجع منطقه به ایران است و هدف از چنین جنگی شکست دادن انقلاب ایران و جلوگیری از گسترش و نفوذ آن است.»

می گویند:

«آمریکا که بر اثر انقلاب ایران منافعی را از دست داد، از همان روز اول شروع به ضدیت و دشمنی با این انقلاب کرد. او همه راه هایی را که ممکن بود این انقلاب را به شکست بکشاند، از تجهیز و مسلح کردن گروه های وابسته به خود در داخل کشور و ایجاد آشوب گرفته تا حملات مستقیم نظامی. طبعاً با آرایش کرد، ولی در همه این نقشه ها شکست خورد، و حالا رژیم صدام را به جان انقلاب ایران انداخته است، تا به خیال خام خود انقلاب ما را نابود کند. اما آمریکا جای جنایتکار باید بداند که ما کارگران با تمام کمبود و مشکلاتی که داریم، تا پای جان خود در دفاع از مملکت و انقلاب خود ایستاده ایم و اگر امام فرمان بدهد، بدون لحظه ای درنگ کار و زندگی و زن و فرزندمان خود را رها می کنیم و به جبهه خواهیم رفت و صدام میزید و حامیانش را سر جایشان خواهیم نشانید.»

می پرسیم: «آیا در بسیج ثبت نام کرده اید و آماده اید؟» اعزام به جبهه را دارید؟ چند نفر از آن ها، که جوان ترند، می گویند:

«مدت ها قبل، از طویق سپاه پاسداران، آموزش نظامی انقلاب بگذارد و کارگران را نسبت به انقلاب دلسرد کند و زمینه را برای فعالیت های مخرب ضد انقلاب فراهم کند. و ما سخنی با کارگران انقلابی شرکت «آرسنال»:

شما می توانید از طریق قانونی و مذاکره با مقامات مسئول به حقوق حقه خود دست یابید، تنها به این وسیله است که دشمنان انقلاب ناکام می مانند و شما نیز جای

با آمریکا است. و برای آنکه این شکست تضمین بشود، دولت باید استعدادهای شگرفی را که در بین کارگران وجود دارد، پرورش دهد. دولت می تواند با قراردادن سرمایه در اختیار کارگران صنعتی و حمایت از آنها، بسیاری از قطعاتی را که قبلاً از خارج وارد می کرد، در داخل تولید کند و بدین ترتیب نقشه های آمریکا را برای محاصره اقتصادی ایران خنثی نماید.»

سوال می کنیم: «این جنگ چه اثراتی داشته است؟» می گویند:

«این جنگ بطور کلی باعث نزدیکی بیشتر مردم به یکدیگر شده و اتحاد و وحدت کلمه ای را، که امام همیشه روی آن تاکید می کند، دوباره قوت بخشیده است. یکی دیگر از اثرات مثبت این جنگ شناخت بیشتر و بهتر دوستان و دشمنان داخلی و خارجی انقلاب بوده است. ما به چشم خود دیدیم

که چه کشورهایی به ما کمک می کنند و چه کشورهایی به عراق و در داخل مملکت نیز شاهد بودیم که کدام یک از گروه ها به جنگ با عراق رفتند و کدام یک به جنگ دولت ایران. اما این جنگ ضررهای اقتصادی و مالی زیادی هم به ما زده است. مثلاً پالایشگاه های ما

از بین رفته اند. خانه ها و شهرهای ما بمباران و خراب شده اند. ما باید با کار و تولید بیشتر و خودداری از اعتصاب و کم کاری و کارکنی، جبران همه این ضررها را بکنیم. مهم ترین وظیفه کارگران کشور ما در این لحظه های حساس این است که به شایعات ضد انقلاب توجه نکنند و اسیر شعارهای چپ نما های آمریکایی نشوند و تن به اعتصاب و کم کاری ندهند، زیرا اکنون زمانی است که بیش از هر زمان دیگر به کار و کوشش نیازمندیم.»

نظر چندتن از آن ها را راجع به این مسئله که بعضی ها می گویند «گروگان گیری» باعث این همه جنگ و خونریزی شده است و اگر ما «گروگان ها» را آزاد کنیم، آمریکا دست از تجاوزات خود بر می دارد، می پرسیم. می گویند:

«ما با این حرف ها مخالفیم. البته اینکه آمریکا از گروگان ها به عنوان بهانه ای برای جنگ با ایران سوء استفاده می کند، درست است. ولی این نظر که آمریکا با خاطر آزادی گروگان ها با ما می جنگد نادرست است، زیرا که مخالفت و دشمنی با انقلاب ایران از ماهیت تجا و زکارانه آمریکا است، نه به خاطر گروگان گیری.»

**کارگران مبارز ایران!  
در یک دست با ابزار کار  
و در دست دیگر  
با اسلحه،  
از میهن انقلابی  
دفاع کنید!**

شایسته خود را در صفوف بهم فشرده زحمتکشان ایران و در مبارزه ضد امپریالیستی حفظ خواهید کرد. نیز بر مسئولین شرکت «آرسنال» است که هر چه زودتر به خواستهای به حق کارگران رسیدگی کنند. و از اقداماتی چون بستن کارگاه و اخراج کارگران، که در واقع عملی در جهت منافع ضد انقلاب است، دوری کنند.

سرانجام رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران در شماره ۱۵۳ روزنامه مجاهد، مورخ ۹ دی ماه ۱۳۵۹، در مقاله‌ای تحت عنوان "جبهه متحد ارتجاع" (علیه مجاهدین خلق) موضع گیری نسبتاً روشن خود را در صحنه سیاست گونی ایران بیان کرد.

حزب توده ایران مدت‌ها بود - به ویژه پس از انتشار "فحشنامه‌های معروف این سازمان"، با امضاء "انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشگاهها" علیه حزب توده ایران - که انتظار یک چنین موضع گیری را داشت.

همان‌طور که شیوه همیشگی ما است، ما مقابل به مثل نخواهیم کرد، زیرا دست‌پازی به فحاشی و تهمینری، آن‌هم تکرار تمام لجن‌پراکی‌های ساواک، رادیو بختیار و رادیو اویسی، کار کسانی است که در بحث سیاسی در مواضع ضعیف و غیر قابل دفاع قرار می‌گیرند و سهامت پذیرش نظریات منطقی را ندارند - البته در صورتی که خود به این جریان‌ها وابستگی نداشته و یا پیدا نکرده باشند.

برای حزب توده ایران هنوز این فرص وجود دارد که "سازمان مجاهدین خلق ایران"، در مجموع خود، به آماج‌های گذشته خویش معتقد و پایدار است. ما این آماج‌ها را این‌طور فهمیده‌ایم:

ریشه کن کردن تسلط امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، برانداختن استبداد در همه انواع و اشکال، دگرگونی‌های بنیادی در نظام اقتصادی - اجتماعی در جهت برانداختن نظام بزرگ‌مالکی و سرمایه‌داری غارتگره سود محرومان، یعنی در درجه اول زحمتکشان شهر و روستا، و پیشرفت اجتماعی، با بهره‌گیری از همه تجربیات گرانمایه‌های نیروهای مترقی جهان.

الته این جملات از "سازمان مجاهدین خلق ایران" نیست، ولی بیگات فوق، به نظر ما، بازتاب نسبتاً دقیق برنامه سیاسی - اجتماعی این سازمان است. حزب توده ایران هنوز بر آن است که اکثریت اعضا و هواداران "سازمان مجاهدین خلق ایران" - با این که اقدامات سیاسی این "سازمان" مدت‌ها است که عملاً دیگر در جهت تأمین شرایط برای رسیدن به این آماج‌ها نیست - به اعتقادات گذشته خود پایدار هستند. امید صمیمانه ما این است که هرگز مجبور نشویم در این فرض تجدید نظر کنیم. ولی با کمال تأسف، آن‌چه اکنون شاهدش هستیم - اگر به همین روال ادامه و گسترش یابد - جای زیادی برای "امید ما" و سایر دوستان واقعی "مجاهدین خلق" باقی نمی‌گذارد.

### ادعاهای و واقعیت‌ها

در پاسخ به انتقاداتی که از طرف حزب ما به موضع گیری‌ها و اقدامات عملی "سازمان مجاهدین خلق ایران" به عمل آمد، به میزبان آشنایی بر از فحش و افترا، این "سوال" هم از طرف رهبری "سازمان" مطرح گردید که: چگونه افرادی و سازمان‌های "مظلوم‌الحالی" جرئت می‌کنند به "سازمان مجاهدین خلق ایران" ایراد بگیرند و هندار دهند که از مبارزه اصیل ضد امپریالیستی روگردان شده است، همان سازمانی که در دوران اختیاری، پایه‌گذارانش به آن‌گونه دلیرانه پا به میدان مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد نهادند؟

فحش‌ها و افتراها را در پاکت می‌گذاریم و پایگانی می‌کنیم، تا روزی در مقابل چهره‌های خجلت‌زده فرستادگانش قرار دهیم. ولی این "سوال" را مورد بحث قرار می‌دهیم:

انتقادات حزب توده ایران و گفتارهای رادیو بیگ ایران شهادت می‌دهند که برخورد حزب ما با "سازمان مجاهدین خلق ایران" از همان آغاز فعالیت سیاسی این سازمان تا امروز، تا چه حد درست بوده است. حزب ما این جریان را، از همان اولین لحظه آشنایی با موجودیتش، با نظر مثبت ارزیابی کرد، با این‌که با شیوه عملش در مبارزه برای رسیدن به هدف‌های انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران موافق نبود. اولین نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به "سازمان مجاهدین خلق ایران" بهترین گواهی‌برخورد اصولی و انقلابی حزب ما است. برخورد محکوم‌کننده حزب ما با توطئه مائوئیستی خائنانه که از پشت به "سازمان مجاهدین خلق ایران" خنجر زدند و در حقیقت آن "سازمان" را به تلاشی کشادند، درست در همین چارچوب بود. تاریخچه فعالیت "سازمان" "پیکار" هم در دوران انقلاب، که امروز دوباره به "متحد شماره یک" "سازمان مجاهدین خلق ایران" بدل گردیده‌است، به خوبی ارزیابی ما را تأیید کرد. به هر حال، ما با این‌که شیوه عمل "سازمان مجاهدین خلق ایران" را نباید

نمی‌کردیم. ولی از مبارزه دلیرانه قهرمانان مبارز آن همیشه ستایش کرده‌ایم. این به‌جای خود محفوظ. ولی ادعای رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" در این زمینه که: چون بنیانگذاران "سازمان" در مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد قهرمانانه جان سپرده‌اند، پس این "سازمان" هرگز از راه آن‌ها منحرف نخواهد شد، استدلالی به‌کلی بوج و بی‌پایه است.

تاریخ معاصر، با نمونه‌هایی در سطح جهانی، خلاف این ادعا را نشان می‌دهد. رهبری حزب کمونیست چین را مورد بررسی قرار دهیم: اکثریت افراد این رهبری که امروز در منجلاب سازش با امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا و هم‌دستان اروپایی و ژاپنی‌اش، در منجلاب خیانت به انقلاب محرومان جهان فرو رفته‌اند، خودشان دهها سال در مبارزات انقلابی خونین علیه امپریالیست‌های ژاپن، آمریکا و اروپای غربی و ارتجاع داخلی خود، یعنی امپال محمدرضا و اویسی و ازهارای چینی شرکت فعال داشته‌اند.

نمونه این خیانت تاریخی در بسیاری از کشورهای "جهان سوم" نیز دیده می‌شود. از جمله سودان، سومالی، مصر و... نمونه‌های بارز این پدیده هستند در کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی هم این پدیده مدت‌ها پیش به‌طور وسیع بروز کرد. بسیاری از رهبران احزاب چپ سوسیال دموکرات و سوسیالیست، روزی در گذشته، در مواضع انقلابی قرار داشتند و "مبارزاتی" را در صفوف خود پیروانند، ولی امروز در عین این‌که "نام" خود را نگه داشته‌اند و مقداری از کلیات دهان پرکن برنامه "سوسیالیستی" را با خود همراه می‌کنند، ولی در عمل به جارو کش و جاده صافکن انحصارهای امپریالیستی مبدل گردیده‌اند.

پس "گذشته پر افتخار" و "برنامه مترقی برطوطاق" و "ادعاهای بر آب و رنگ" هیچ‌کدام به‌طور مجرد تعیین‌کننده ارزش واقعی عمل جاری یک سازمان سیاسی نمی‌تواند باشد. تنها در صورتی که عمل روزیک سازمان سیاسی در چارچوب آن گذشته پر افتخار و برنامه مترقی باشد، این عوامل ارزش پیدا می‌کنند. من آنم که رستم بود پهلوان، تنها برای گول زدن افراد کم‌آگاه و ناآگاه به‌زد می‌خورد، همان‌طور که لجن‌پراکی و فحاشی نسبت به انتقادکنندگان.

مطلب دیگری را که رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" برای درستی موضع گیری خود به تکرار بیان می‌کند، این است که: چون در این دوران "سازمان مجاهدین خلق ایران" رشد کرده، پس سیاست آن درست بوده است. این استدلال هم از ریشه نادرست است و تنها برای افراد کم‌آگاه و ناآگاه ساخته شده‌است. دو مثال:

در همین مهبین انقلابی خودمان، تردیدی نمی‌توان کرد که پس از پیروزی انقلاب، در نتیجه روند درگیری مبارزات طبقاتی، قشرهایی از آن نیروهایی که در مبارزه علیه "استبداد" شرکت داشتند، از تعمیق انقلاب ناراضی شده و به تدریج به اردوگاه ضد انقلاب پیوسته‌اند. به این ترتیب، پس از پیروزی انقلاب و در جریان عمیق‌تر شدن انقلاب، پایگاه طبقاتی امپریالیسم و ضد انقلاب برورده آن گسترش پیدا کرده است. آیا این دلیل درستی سیاست این نیروها و حقانیت آن‌هاست؟! تجربه دردناک انقلاب شیلی هم چنین پدیده‌ای را نشان می‌دهد. پس از پیروزی جبهه نیروهای انقلابی، ضد انقلاب و گروه‌های مائوئیستی که، با شعارهای مافوق انقلابی، به‌موازات امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی عمل می‌کردند، توانستند از مشکلات ناشی از توطئه‌های اقتصادی امپریالیسم و سرمایه‌داری داخلی بهره‌گیری کنند و قشر قابل ملاحظه‌ای از نیروهای بینابینی راه خود جلب کنند و حتی بخشی از طبقه کارگر را گمراه‌سازند و علیه دولت انقلابی آلوده به اعتصاب بکشاند. می‌بینید که حتی گمراهی بخشی از طبقه کارگر دلیل عدم حقانیت دولت انقلابی آلوده و دلیل حقانیت "چپ" - گرایان و ضد انقلاب نیست. در آن زمان، جب‌گرایان شیلی هم به خود می‌بالیدند و رشد کمی طرفداران خود را دلیل بر درستی راه ماجراجویانه و ضد انقلابی خود بیان می‌کردند.

تجربه تاریخی حزب توده ایران هم شاهد چنین پدیده‌ای است: در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱، با این‌که سیاست حزب ما بر پایه ارزیابی و شناخت نادرست از سیاست دکتر مصدق و جنبش مردمی در راه ملی‌کردن ذخایر و صنایع نفت، سمت گیری نادرستی داشت، ولی رشد کمی صفوف حزب ما کم سابقه بود.

این پدیده‌های اجتماعی معلول یک رشته عوامل مشخص است که ما از ذکر آن در این گفتگو خودداری می‌کنیم. اگر دوستان مجاهد ما، که خیلی از شهامت انقلابی خودشان دم می‌زنند، این شهامت "سیار ناچیز" را از خود برور می‌دادند، حاضر می‌شدند در یک گفتگوی بدون وحاشی و افترا (از سوی آنان) شرکت کنند و سپس این گفتگو عیناً ثبت و با توافق منتشر شود، آنوقت ما می‌توانستیم، با تفصیل بیشتر، بی‌پایگی و بی‌پایگی این‌گونه "استدلالات" ارزان، را نشان دهیم.

### «سازمان مجاهدین خلق ایران» در کجای میدان نبرد قرار گرفته است؟

پیش از آغاز این بحث، می‌خواهیم از فرهنگ مردمی خودمان و از نگرش جهانی انقلاب دو نکته را یادآوری کنیم. در فرهنگ مردمی ما همیشه تکرار می‌شود: "بگو دوستت کیست، تا بگویم کیستی؟" از تاریخ تجربه جهانی انقلاب هم، گفته‌ای که از آگوست بیل، رهبر عالیقدر جنبش کارگری آلمان در قرن نوزدهم نقل شده، بسیار گویا و آموزنده است. این گفته صدها بار در دوران مبارزات نیروهای انقلابی یا نیروهای مدعی انقلابی بودن، تکرار شده، ولی یادآوری آن باز هم جا دارد. چنین گفته شده است که: بیل در پارلمان به مائوسی طعن می‌کرد. در جای معینی از طعن، مائوسگان دست راستی برای بیل کف زدند. بیل با خودش، ولی با صدای بلند گفت: ای پسر حرف! چه دسه گلی به‌آب داده‌ای که این‌ها برایت کف می‌زنند؟!

حال جا دارد پرسیم: رهبران مجاهدین خلق! چه دسه گلی به آب داده‌اید که جبهه امپریالیست‌ها و ضد انقلاب داخلی، از بختیار و اویسی گرفته تا "خلق مسلمانی‌ها" و کلاں سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و لیبرال‌های کارت سیردار برایشان کف می‌زنند؟ حال جا دارد پرسیم: دوستان مجاهد! چه کرده‌اید و چه می‌کنید که ارزیابی‌هایتان با ارزیابی‌های رادیو بختیار و اویسی عیناً یکی در می‌آید؟ برای نشان دادن تعبیری که در موضع گیری‌ها و ارزیابی‌های "مجاهدین خلق" پیدا شده، تنها به آوردن بخش‌هایی از یک سند خود "سازمان مجاهدین خلق" بسنده می‌کنیم:

"سازمان مجاهدین خلق ایران"، در بیستم فروردین ماه ۱۳۵۸، یعنی چند ماه پس از پیروزی انقلاب، بی‌سببی در باره حوادث گند و گردسان منتشر ساخت، که در آن چنین گفته شده است:

"برای ما... از پیش‌روشن بود که امپریالیسم غدار جهانی به رهبری آمریکا و بقایای ریشه‌کن ناسده ضد انقلاب، به هر ترتیب خواهند کوشید تا در مهبین ما، به آنجا طریقی و به‌ویژه از طرق به‌جان هم انداختن نیروهای مختلف و ایجاد تفرقه در درون نیروهای خلق، آب رفته را به شکل دیگری به جوی بازگردانند. به این ترتیب، هنوز قیام مردمی روزهای بهمن‌ماه گذشته آغاز نشده بود که ما اعلام نمودیم که در آینده، دشمن خارجی به اعتبار عوامل درونی وارد عمل خواهد شد. اکنون این پیش‌بینی دقیقاً به وقوع پیوسته و هر روز نیز ابعاد اسفبار آن گسترش می‌یابد. دشمن استعمارگر به‌انگاه پایگاه‌های واژگون‌نشته ضد انقلابی و ارتجاعی‌اش و به‌انگاه انبوهی از مزدوران سیا و ساواک، دقیقاً گوش بزرگ نستیسو همان‌طور که از پیش هشدار می‌دادیم. یک آن نیز از طرح توطئه غافل نیست."

در این بیانیه "سیاسی آمده است: "بهرآسانی دشمنان انقلاب ایران به‌این سادگی دست‌بردار نیستند. یکی از بارزترین خصوصیات و نحوه‌های عمل امپریالیست‌ها و مرتجعین، بهره‌برداری هرچه سریع‌تر و کامل‌تر از نارسایی‌ها و اشتباهات و برخورد - های غیر اصولی و حتی حساسیت‌های نیروهای مختلف و اختلافات آن‌ها با یکدیگر است.

در ادامه این ارزیابی بسیار درست، که امروز هم صددرصد به‌قوت خود باقی است، در بیانیه "طرز عمل "سازمان مجاهدین خلق" در کسند و گردستان مورد انتقاد صحیح قرار گرفته و گفته شده است:

"۱- آنچه به چریک‌های فدایی خلق مربوط می‌شود، درگیری و نحوه فعالیت نابجای آنان در منطقه است، که بی‌تردید به دلیل عواقب سیاسی سوء آن، حاکی از اشتباهات جدی در نحوه برخورد و ارزیابی موقعیت سیاسی - اجتماعی موجود و خلاصه

بی‌توجهی به دام از پیش گسترده شده امپریالیست‌ها و مرتجعین محلی است، دامی که گرفتار شدن در آن قطعاً نمی‌تواند به حال انقلاب سودمند باشد.

۳- برای خاتمه دادن به بحران موجود و به خاطر مطالبی که فوقاً ذکر شد، از چریک‌های فدائی می‌خواهیم که برای اثبات حسن نیت خود و تأیید عقلی مسجدد بیابانه‌هایی که تاکنون مبنی بر تکذیب دخالت‌خود در درگیری و نقض آتش‌بس صادر نموده‌اند، موقتاً هم که شده، تمام فعالیت‌های سازمان و اعضا آن را در گنبد متوقف کرده... و مانع هر فعالیتی به‌نام فدائی گردند. این مطلب می‌تواند به مناطق دیگری که در آنجا نیز بیم سوءاستفاده امپریالیست‌ها و ایادی ارتجاع و ضد انقلاب می‌رود، تعمیم یابد.

بدیهی است که اقتناع عناصر وابسته و هوادار سازمان فدائی به این مطلب کار بسیار سنگینی است. لیکن مرکزیت سازمان چریک‌های فدائی خلق بایستی بتواند با تقسیم‌خطیر بودن وضعیت، آن‌ها را بر این مهم قانع کند. بخصوص که سازمان بعداً می‌تواند بلافاصله مشکلات و خواسته‌های دموکراتیک خود را به ترتیب مقتضی با نمایندگان حضرت آیت‌الله خمینی یا حضرت آیت‌الله طالقانی و دولت آقای مهندس بازرگان در میان گذاشته و تحت توجهات ایشان، از تأمین و تضمین‌های سیاسی لازم در جهت استفاده از حق حیات سیاسی خود برخوردار گردد."

غیر از آن‌چه که مربوط به امید رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" به "توجهات دولت آقای مهندس بازرگان" برای حل مشکل گند است (که محسوی اساسی آن مسئله ارضی بود، و آقای مهندس بازرگان و وزیر کشاورزی ایشان، محمد علی ایزدی، بزرگ‌مالک کارت سیردار، مخالف جدی حل آن بودند و هستند) تمام مطالب بالا، که نویسنده‌ای "رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران" است، مورد تأیید ما بود و امروز هم هست.

بمنظر ما، تحلیل نکات محلی که در این بیانیه هست، با مقایسه با تعبیراتی که در عاصر گوناگون مطرح در آن پیدا شده است، به خوبی گفتگوی مارا با "سازمان مجاهدین خلق ایران" شکل می‌دهد.

### مقایسه وضع در فروردین ۱۳۵۸ و اکنون

این مقایسه به روشنی می‌تواند سناکر این باشد که چه عاصری از سروهای درگیر در میدان سیاست ایران تغییر کرده و چه عاصری تغییر کرده و جهت این تغییر کدام بوده است؟

### ۱- امپریالیسم و ضدانقلاب

در فروردین ۵۸، همان‌طور که بدرستی در بیانیه "سازمان مجاهدین خلق ایران" گفته شده، مرز بین سروهای انقلاب و ضد انقلاب به‌این صورت بود که: امپریالیست‌ها و باقیمانده‌های ساواکی و مزدوران سیا و اینسلیجس سرویس و موساد و وابستگان به رژیم سرگون شده آریامبری و ارتجاع داخلی، که در حومه گند در قیافه زمین‌داران بزرگ تجلی می‌کنند، جبهه ضد انقلاب را تشکیل می‌دادند، و طبق عظیم نیروهای که زیر رهبری امام خمینی، در برانداختن رژیم استبدادی و تسلط امپریالیستی شرکت داشتند، در جهت انقلاب جا گرفته بودند. ضد انقلاب در آنجا که هنوز پایگاه اقتصادی‌اش را نگه‌داشته بود، ماسد مالکیت برکراضی - کوس می‌کرد یا جگ و دزدان از اسب پایگاه باسداری کند و از اجاد هر حادثه‌ای روگردان بود، برای این‌که شرایط را برای درهم شکستن انقلاب آماده سازد.

امپریالیسم آمریکا می‌کوشید که آن مقدار از مواضع خود را، که هنوز از دست نداده بود، نگه‌دارد و با توسل به هرگونه توطئه ای مواضع از دست‌رفته را به دست آورد. ساواکی‌ها و بزرگ‌مالکان و کلاں سرمایه‌داران و افسران و کارمندان وابسته به رژیم آریامبری هم فعلاً در این جبهه شرکت داشتند.

این عناصر امروز هم با تمام قوت خود باقی هستند و مسلماً رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" جرئت نخواهد کرد که وجود و فعالیت این ضد انقلاب را، که اکنون به مراتب نسبت به ماه‌های اول پس از انقلاب، هارتر و جسورتر شده و جدید توطئه شکست خورده بیشتر گذاشته و هم‌اکنون روز و شب در مدار توطئه جدید است، بردید کند. گرچه در روزنامه "مجاهد" و اعلامیه‌های "سازمان مجاهدین خلق ایران" مدت‌ها است که از این ضد انقلاب دیگر یاد نمی‌شود، و اگر هم یادی

# گفتگو با مجاهدین

می‌شود. محس حالی نبود عریضه - به‌عنوان نمونه همین شماره ۱۵۳ روز "مجاهد" را، که در آن از "جبهه متحد ارتجاع" سخن رفته است، مطالعه کنید. با تمام قوت می‌توان ادعا کرد که ۲۴ صفحه نوشته، ناهی و حی آثارها، به ستون بحم امپریالیسم آمریکا، مردوران سیا، ساواکی‌ها، وابستگان امپریالیسم - کلاں سرمایه‌داران، - مالکان و جاده‌صاف‌کن‌های راه بازگ تسلط امپریالیستی، یعنی لیبرال - خلق مسلمانی‌ها و... دیده نمی‌لافل سن از سوی از مقالات ا شماره را، رادیوهای بختیار و اور می‌نویسد، بدون ذکر نام ماحد، بخش کند. سها در یک مقاله، چ سوسی از امپریالیسم آمریکا نام نده، که باره در آنجا هم نری به علیه آمریکا، بلکه علیه اکثریت دولت جمهوری اسلامی ایران است! حال این برین مطرح می‌شود که در سطر رهبران سازمان مجاهدین خ ایران"، امپریالیسم جهانی، سرگرد امپریالیسم آمریکا، مردوران سیا، او ها و سایر دشمنان خلق و انقلاب امپریالیستی و مردمی ایران، به‌کلی میدان سیاست ایران رخت برهنه‌اند: آن مردوران سیا و ساواکی‌ها، که در فروردین ۵۸ به آن شکل دست‌اندر کار توطئه‌ها، امروز کجا هستند، کجا عمل می‌کنند، تحریر می‌کنند و کجا آشوب می‌نمایند؟

دوستان عزیز! یکبار دیگر به حمله خودتان توجه کنید: "از پیش روشن بود که امپریالیسم جهانی به رهبری آمریکا و بقایای ریشه ناسده ضد انقلاب، به هر ترتیب خواهند کوشید تا در مهبین ما، به آنجا طریقی و به‌ویژه از طرق به‌جان هم انداختن های مختلف... آب رفته را به شکل جدید برگردانند."

همه این عناصر اصل انقلاب در جهان و ایران، دود شده آسمان رفته‌اند، که حتی در شرایط و دشوار کوسی، که کشور ما درگیر - نخاوری و تحمیلی از طرف امپریالیست آمریکا است، از گوش‌های بهر تر آنها در ۲۴ صفحه روزنامه شما اثری نمی‌شود؟

### ۲- جایگاه شدن بخش از نیروهای شرکت کننده در انقلاب

دومین تعبیری که در موضع گیری باصرد در بیانیه "سازمان مجاهدین خلق ایران" پیدا شده، حاجا شدن سرما - لیبرال ایران است که، در جریان از ضد امپریالیستی و ضد استبدادی، با این‌که با تخفیف تسلط آن ضد امپریالیست‌ها و مزدوران و وابستگان میدان برای برقراری انحصار این می‌شود، "گام به گام" به دیالان آمدند و، به علت نبود هیچ دست‌سازان انقلابی در ایران، دولت مو

بورژوازی لیبرال، برخلاف "سازمان مجاهدین خلق" به توجهات بازرگان، از همان آغاز، در خم کرد و منحرف ساختن انقلاب از های اصلی ضد امپریالیستی و مرد امپریالیست‌ها و مزدوران و وابستگان میدان برای برقراری انحصار این می‌شود، "گام به گام" به دیالان آمدند و، به علت نبود هیچ دست‌سازان انقلابی در ایران، دولت مو

# سازمان خلق ایران

صافکن‌های امپریالیسم را خنثی ساخت و در جریان این مبارزه عمده و اصلی، با صف‌های درونی "جبهه‌انقلاب"، یعنی انحصارطلبی‌ها، نارسایی‌ها، کمبودها و اشتباهات، با قاطعیت مبارزه کرد؟ چرا، می‌شود! ولی برای این کار باید در مواضع "سازمان مجاهدین خلق ایران" در فروردین ماه ۵۸ باقی ماند!

## ۳- تصحیح در موضعگیری «سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران»

سومین تغییر مهمی که در مواضع عناصر نامبرده شده در "بیانیه" فروردین ۵۸ "سازمان مجاهدین خلق ایران" به وقوع پیوسته، تصحیحی است که در ارزیابی‌ها و شناخت و عمل "سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران" روی داده است. همان طور که "مجاهدین خلق"، در فروردین ۵۸، پیش‌بینی می‌کردند، این کار آسانی نبود. راه پر رنج یکسال و نیم گذشته لازم بود تا اکثریت سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران "از آن مواضعی که "سازمان مجاهدین خلق" آنروز نادرست می‌دانستند، به مواضعی که "مجاهدین خلق" آنروز درست می‌دانستند، تغییر مکان دهند. ولی وقتی "اکثریت سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران" این توصیه‌های درست و برادرانه "سازمان مجاهدین خلق ایران" را عملی ساختند، با کمال تأسف مشاهده کردند که، در این فاصله، توصیه‌کنندگان جا را خالی کرده و بی‌کم و زیاد به همان مواضعی تغییر مکان داده‌اند، که "چریک‌های فدائی" در فروردین ۵۸ در آن قرار داشتند!

آنروز "مجاهدین خلق" به "چریک‌های فدائی" توصیه می‌کردند که: از سازه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی دست بردارید و مشکلات و خواست‌های دمکراتیک خود را به ترتیب مقتضی با نمایندگان حضرت آیت‌الله خمینی... در میان بگذارید و تحت توجهات ایشان از تأمین‌ها و تضمینات سیاسی لازم در جهت استفاده از حق حیات سیاسی خود برخوردار گردید.

## ۴- خط‌مشی امپریالیستی مردمی امام خمینی

عصر دیگری که در "بیانیه" فروردین ۵۸ "سازمان مجاهدین خلق ایران" یادآوری شده، موضعگیری امام خمینی است. در آن تاریخ "مجاهدین خلق" این موضعگیری را با موضعگیری ضد امپریالیستی و مردمی خود آن‌چنان منطبق می‌دانستند که به "چریک‌های فدائی" توصیه می‌کردند که، دست از شیوه‌های ماجراجویانه بردارند و به جبهه انقلاب بازگردند و، تحت توجهات "حضرت آیت‌الله خمینی"، از تأمین‌های سیاسی برای استفاده از حق حیات سیاسی برخوردار شوند.

رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، نشان‌دهنده این واقعیت نیست که دشمنان انقلاب ایران، همان دشمنانی که، "سازمان مجاهدین خلق ایران"، "پیگاری-ها" و همه گروهک‌های آمریکایی - چینی مدعی "مارکسیسم" را، جزء ذخیره مستقیم و یا احتمالی خود به حساب می‌گذارند، امام خمینی را بزرگ‌ترین و آشتی‌ناپذیرترین دشمن خود ارزیابی می‌کنند؟

شما مسلماً رهنمود کارتر - به‌وسیله برزیل‌سکی - به وزارت خارجه آمریکا را فراموش نکرده‌اید و مسلماً برایتان دشوار است که ادعا کنید که این رهنمود دیگر به قوت خود باقی نیست. کارتر به وسیله برزیل‌سکی به وزارت خارجه آمریکا، کلاه مأمور اجرای توطئه‌براندازی نظام جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی است، این طور توصیه می‌کند:

با توجه به قابل پیش‌بینی نبودن حوادث و تحولات آینده در ایران، الزام مهم است که آمریکا با تمامی رهبران اقلیت‌های نژادی و مذهبی و گروه‌های افراطی، که قادرند مقاومت‌های مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند، تماس‌هایی برقرار کنند.

آیا به نظر رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران"، در سیاست آمریکا نسبت به امام خمینی و هواداران و پشتیبانان ایشان تمیزی پیدا شده؟ و آیا عمل آن‌گروه‌هایی که، با از ماه‌ها پیش مقاومت‌های مسلحانه علیه "رژیم خمینی" به راه‌انداخته‌اند و یادار تدارک به‌راه انداختن چنین مقاومت‌ها و توطئه‌هایی هستند، مستقیماً در جهت سیاست آمریکا نیست؟

در این ترتیبی‌بینیم که، در این زمینه هم رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" است که تغییر موضع داده و به اردویی پیوسته است که هدفش برانداختن "رژیم خمینی" است. رژیم، که به نظر "سازمان مجاهدین خلق ایران" روزی همه انقلابی‌ها باید در زیر توجهاتش فعالیت کنند، و امروز به عنوان "رژیم واپس‌مانده خرده‌بورژوازی سنتی" ارزیابی می‌شود.

آنقدر که می‌توان به خاطر آورد، این اصطلاح هم از مارکسیست‌های آمریکایی به عاریه گرفته شده است. مقاله "جبهه متحد ارتجاع" با جمله زیر پایان می‌پذیرد:

## «جبهه متحد نیروهای انقلابی» از دیدگاه رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران»

در تحلیل خود، در شماره ۱۵۳ روزنامه "مجاهد"، "جبهه متحد ارتجاع" را در مرحله کنونی نبرد انقلابی در ایران، شخص ساخته و عناصر عمده تشکیل‌دهنده این جبهه، یعنی "حزب توده ایران، حزب جمهوری اسلامی، جنبش مسلمانان مبارز و سازمان چریک‌های فدائی خلق (اکثریت) را معرفی کرده و سمت‌گیری عمده سیاسی این "جبهه" را که نگهداری "رژیم واپس‌مانده خرده‌بورژوازی روستایی" است، نشان داده است!

ولی ما مجبوریم یادآوری کنیم، که متأسفانه در این "کشف" هم "مجاهدین خلق" ابتکاری به‌خرج ندادند و تنها از زرادخانه رادیوهای ضد انقلاب چیزی را به عاریه گرفته‌اند. به‌این گفتار "رادیسو بختیار"، در روز ۱۶ آذر ۵۹، توجه کنیم:

آخوندیسم و توده‌ایسم از یک آب‌شخور آب می‌خورند و سر یک اژدها و دو اسب یک درشکه به شمار می‌آیند، که همان اتحاد سرخ و سیاه... است. ملاحظه می‌کنید که، با کمی تغییر، صحبت از همان "جبهه متحد ارتجاع" سرخ و سیاه است!

حیرت‌انگیز و تأسف‌آور است که چگونه ارزیابی سازمانی که خود را "انقلابی‌ترین نیروی جامعه ما معرفی می‌کند، با ارزیابی کینه‌توزترین دشمنان انقلاب ایران یکی از آب در می‌آید؟! آیا این شباهت کافی نیست که "مجاهدین خلق" را کمی به اندیشیدن وادارد؟

قدرت به جا بود، اگر به موازات این "کشف بزرگ‌نارنجی"، دوستان مجاهد، عناصر، برنامه و سمت‌گیری سیاسی "جبهه متحد نیروهای انقلابی" را هم معرفی می‌کردند و به موازات این معرفی، موضع‌گیری نیروهای اصلی دشمن انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم، ارتجاع منطقه، ضد انقلاب داخلی و بلندگویان آن را، نسبت به این دو جبهه، با سند و مدرک نشان می‌دادند.

از آن‌جا که "مجاهدین خلق" خواسته‌اند و یا نتوانسته‌اند ما را از این تحلیل ضروری بهره‌مند سازند، ما مجبوریم که با شیوه تحلیلی خودمان، نتیجه‌گیری‌های لازم را بکنیم:

این درست است که سازمان‌هایی که در "جبهه متحد ارتجاع" جا داده شده‌اند، ضمن داشتن اختلافات عمده در زمینه جهان‌بینی، در زمینه درگونی‌های ضروری بنیاد برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی، در زمینه شیوه پیشبرد این انقلاب، در زمینه کلی‌ترین مسائل روز صحنه سیاست میهن‌مان، سمت‌گیری واحدی دارند و با تمام نیرو برای نگهداری جمهوری اسلامی ایران - با همه کمبودها و نارسایی‌ها و ضعف‌هایی - در مقابل توطئه‌های روزافزون امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ضد انقلاب پرورده‌اش، بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران و همچنین سرمایه‌داران لیبرال، یعنی همان‌هایی که "سه‌سایار ۹ بار غلط" کردند که در انقلاب شرکت کردند، مبارزه می‌کنند.

به این ترتیب، آن‌چه که از نظر رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" عامل تشکیل "جبهه متحد ارتجاع" است، همین "وجوه مشترک" می‌تواند باشد، نه "وجوه اختلاف". پس "جبهه متحد نیروهای انقلابی"، از نظر "سازمان مجاهدین خلق ایران"، از همه آن نیروهایی تشکیل می‌شود که با این "جبهه متحد ارتجاع" درگیرند و شاعران تلاش می‌کنند که این "جبهه" را به‌رانو درآورند. این نیروها کدامند؟

امپریالیسم و صهیونیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع منطقه، یعنی سادات‌ها، ضیاءالحق‌ها، صدام‌ها، قایوس‌ها، خالد‌ها، شاه‌حسین‌ها و همپالکی‌ها، هایشان! امیدواریم "مجاهدین خلق"، در این‌که همه این نیروها درصد برانداختن همین رژیم واپس‌مانده "جمهوری اسلامی" هستند، نتوانند تردید کنند.

"کومه"، گروه‌های منشعب از "سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران"، گروه "رنجبر"، که مستقیماً در خدمت امپریالیسم آمریکا است (جالب‌توجه است که این گروه بدنام، پیش از همه گروه‌های دیگر برای "تحلیل" "سازمان مجاهدین خلق ایران" هورا کشید!) و سایر "ترجعه‌های سوک" شبه‌مائوئیستی و نیمه مائوئیستی و تروتسکیستی، که همه هم‌اواز برای "سازمان مجاهدین خلق ایران" گف می‌زنند.

راستی که "سازمان مجاهدین خلق ایران" با داشتن چنین "دوستانی"، دیگر کم‌ترین احتیاجی به دشمن ندارد! گروه پنجم در "جبهه متحد انقلابی"، که درصد برانداختن "رژیم واپس‌گرایی" جمهوری اسلامی است، طیف وسیع لیبرال‌ها است. البته علائق رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" به این گروه تازه نیست. همان ارزیابی که در "بیانیه" ۲۸ فروردین ۵۸، از دولت "گام به‌گام" داده شده، این علائق را نشان می‌دهد:

واقعیت روزمره هم این‌طور نشان می‌دهد که همه این‌نیروهای سیاه ضد انقلابی، سازشکار و تسلیم‌طلب، گمراه و منحرف، در طیف وسیع توطئه براندازی رژیم جمهوری اسلامی ایران، جبهه‌واحدی را بوجود آورده‌اند. تنها این پرسش برای همه علائقداران به انقلاب ایران هر روز مطرح می‌شود که: "سازمان مجاهدین خلق ایران" در این طیف چه گم کرده است؟

## دوستان مجاهد!

واقعاً این برش برای ماوهمه‌نیروهای که نگران انقلاب ایران هستند، مطرح است.

## رهبری «سازمان مجاهدین خلق ایران» این موضعگیری را چگونه توجیه می‌کند؟

برای آن‌که پاسخی برای این پرسش پیدا کنیم، ما بارها و بارها به رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" مراجعه کردیم و از آن‌ها خواستیم که گفتگوی، در هر شرایطی که آنان خواستار باشند، باهم داشته باشیم. ولی متأسفانه توفیقی نیافتیم.

دوستان و هواداران حزب ما خود گفتگویی را با دوستان مجاهد حسنجو کردند. ولی آن‌ها نیز با دیواری از امتناع برخورد کردند، که بنا بر دستورالعمل رهبری "سازمان مجاهدین خلق ایران" به اعضا "سازمان" "بوجود آمده است، منی بر این که از هرگونه بحث با توده‌های اجنباب ووزند.

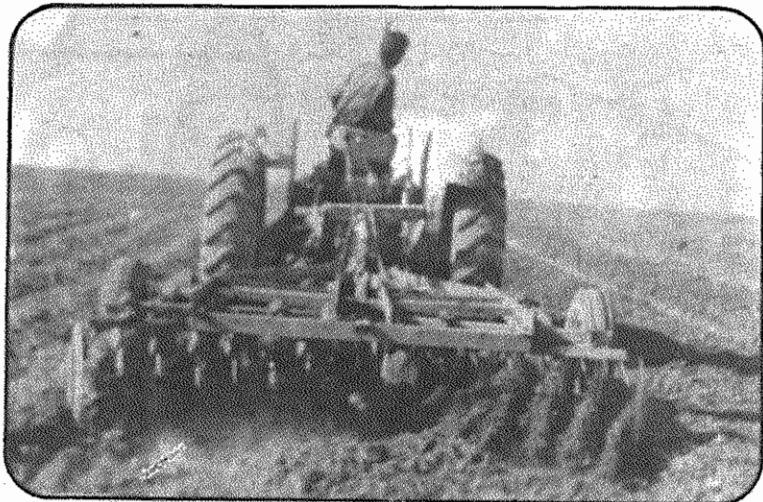
ولی سرانجام، از راه مطالعه شریات "مجاهدین خلق" و تماس‌های غیرمستقیم، ما توجیهی را درباره موضعگیری "سازمان مجاهدین خلق ایران" بدست آوردیم که برای تحلیل زیرین استوار است:

۱- حاکمیت کنونی بیانگر خواست‌های خرده بورژوازی سنتی واپس‌گرایی جامعه است، که آغشته به تأملات فئودالی است. (این ارزیابی عیناً در پایان مقاله "جبهه متحد ارتجاع" آمده است.)  
۲- این حاکمیت و طبقه‌ای که پایگاه آن است، میرنده هستند و به‌محکم تاریخ محکوم به سرنگونی و نابودی‌اند. (این حکم هم در پایان مقاله نام‌برده آمده است.)  
۳- هیئت حاکمه کنونی برای اجتناب از سرنگون شدن، در جهت سازش با امپریالیسم آمریکا گام گذاشته است. (این ارزیابی مانند خط قرمز در تمام تحلیل‌های "سازمان مجاهدین خلق ایران" دیده می‌شود.)  
۴- آمریکا، که هوادار سرمایه‌داری در ایران است، حاضر به کنار آمدن با این رژیم نیست، زیرا سرمایه‌داری ایران با حاکمیت کنونی مخالف است. به‌این جهت آمریکا در جهت سرنگون کردن حاکمیت کنونی عمل می‌کند.  
۵- جامعه به‌این‌بست رسیده و تنها راه نجات این است که "سازمان مجاهدین خلق ایران" قدرت حاکمه را به‌دست گیرد و برنامه اسلامی - توحیدی خود را پیاده کند.  
۶- برای رسیدن به این هدف، "سازمان مجاهدین خلق ایران" از روند تضعیف رژیم حاکم کنونی به‌وسیله لیبرال‌ها و آمریکا و هر نیروی دیگر استقبال می‌کند.  
۷- پیشرفت این جبهه متحد به دو صورت می‌تواند پایان پذیرد:  
حالت اول این است که: لیبرال‌ها بقیه در صفحه ۶

دهقانان

ترکمن صحرا:

ما حتماً پیروز خواهیم شد، چون حق با ما است.



کرایه تراکتور، سوخت و بدر گران است ولی به فرمان امام لیبیک گفته و علی‌رغم مشکلات هرچه بیشتر می‌کاریم تا محتاج بیگانگان نشویم. (بندر ترکمن)

بدینال اطلاعیه مقامات مسئول و سپادهای انقلابی ترکمن صحرا منی برکت کلیه زمین های سرروعی، دهقانان این منطقه به تهیه بذر و کود سوخت و... برداختند و از سرمایه‌ها و آبان کنت پائیزه گندم موجود در منطقه ترکمن صحرا شروع شد. در منطقه بندر ترکمن و کمیش دیه، تقریباً بیشتر زمین‌ها زیر کشت رفت، ولی بعلت بارندگی زیاد کشت بناخیر افتاد و تا اواسط آذر نیر ادامه داشت.

"هفتاد سال از عمرم راروی زمین کار کرده‌ام و یادست تخم دادم. هنوز هم توانائی کاشتن دارم. اگر بذر پاش استفاده نکرده‌ام، اولاً امسال بعلت بارندگی زیاد کشت زمین بناخیر افتاد، ثانیاً تعداد دستگاه بذر پاش کم است و ثالثاً هزینه زیادی هم در بر دارد. بهمین جهت منتظر دستگاه نشدم. چون امام خمینی فرموده که هیچ زمینی بدون کشت نماند. ما هم فوراً دست بکار شده‌ایم. میدانیم هر چه قدر زحمت بیشتری بکشیم، محصول بیشتری بدست خواهیم آورد و محتاج بیگانگان نخواهیم شد."

"چون زمین هایم سند مالکیت نداشت، با استشهادهای محلی توانستم سوخت تهیه بکنم و برای اینکه بفرمان امام خمینی لیبیک گفته باشم، با مشکلات زیادی که داشتم، زمین را شخم زدم، والا با این گرانی بذر، کرایه تراکتور و... از این زمینهای دیم در آمد چندانی نصیب نمی‌شود. اواز دولت خواست که از حالا به فکر تهیه سوخت کمابین جهت جمع آوری محصول باشد. اومی گفت: "این جنگ تحمیلی ضررهای زیادی بمآزاد، قیمت مایحتاج روزانه بطور سرسام آوری بالا رفت و با درآمد ناچیز سالانه ای که ما داریم، مشکل می‌توان این گرانی را تحمل کرد. البته ما اجازه نخواهیم داد که دشمن قدم به خاک ما بگذارد، ما حتماً پیروز خواهیم شد، چون حق با ما است. امیدوارم هر چه زودتر جنگ پایان یابد و اوضاع سروسامان پیدا کند."

بیشتر دهقانان ترکمن صحرا مشکلات مشابه و خواستههای مشترکی

دارند. آنها از کمبود آب، بذر و کود گله دارند و خواهان تشکیل شرکت‌های تعاونی برای تهیه آنها هستند. خودشان می‌گویند: اجرای طرح واگذاری زمین، که امسال هم عملی نشد، بزرگترین خواست و نسیبیت آرزویمان است.

گفتگو با...

بقیه از صفحه ۵

موفق شوند قدرت حاکمه را از دست خرد بورژوازی سنتی واپس گران" به در آورند. در این صورت "سازمان مجاهدین خلق ایران" و دوستانش امکانات برداشته‌ای برای فعالیت آزاد خواهند یافت و با استفاده از این آزادی، می‌توانند حاکمیت لیبرال‌ها را سرنگون سازند.

حالت دوم این است که: آمریکا و هوادارانش بر ایران مسلط شوند، یا این که آمریکا ایران را اشغال نظامی کند. در این صورت، ایران به ویتنام دیگری بدل خواهد شد و "سازمان مجاهدین خلق ایران"، که انقلابی‌ترین سازمان مشکل سیاسی در ایران است و آمادگی کامل برای مقابله با آمریکا را دارد، رهبری جنگ انقلابی را به دست خواهد گرفت.

این است آن توجیهی که ما، از مجموعه تفحص خود، از تحلیل سیاسی "سازمان مجاهدین خلق ایران" به دست آورده‌ایم. تمام فعالیت‌های سیاسی و تحلیل‌های علمی این "سازمان" هم تا بید کننده این برداشت عمومی است.

بر پایه همین تحلیل است که در انتشارات "سازمان مجاهدین خلق ایران" کمترین انتقادی نیست به عملکرد همه گروه‌ها و گروهک‌ها و نیروهایی که در جهت براندازی حاکمیت کتونی هستند - از ضد انقلاب سازمان یافته و ساواکی‌ها گرفته تا لیبرال‌ها و سرمایه‌داران غارتگر "خلق مسلمانی" و "کارت‌سبذارها"، تا گروهک‌های آمریکا ساخته چپ‌ها مانند "بیکار" و "گولمه" و "رنجبر" و نظیر آنان، دیده نمی‌شود، زیرا همه این‌ها در تحلیل "سازمان مجاهدین خلق ایران"، ذخیره‌های مستقیم و غیرمستقیم برای نیل به هدف، یعنی براندازی حاکمیت کتونی به شمار می‌روند.

از آنجا که این تحلیل، در همه اجزایش، به طور رسمی از طرف "سازمان مجاهدین خلق ایران" اعلام نشده است، ما نمی‌توانیم آن را با این عنوان مورد بررسی قرار دهیم. ولی از آنجا که ما هنوز معتقدیم که "سازمان مجاهدین خلق ایران"، با اعتقاد به این که خط مشی سیاسی‌اش به سود انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است، این خط مشی را بدینال می‌کند، به این نتیجه می‌رسیم که، تنها یک چنین تحلیلی و یا چیزی بسیار نزدیک به آن می‌تواند چنین خط مشی را توجیه کند. به علاوه، در میان هواداران "سازمان مجاهدین خلق ایران" این تحلیل مورد بحث و گفتگو است. پس

به بررسی اجراء آن سرداریم. دوستان مجاهد این طور ارزیابی می‌کند که: خطر بازگشت تسلط امپریالیسم بر صهیون ما دیگر وجود ندارد و، در نتیجه، مسئله عمده در لحظه کتونی، بر کار کردن آن سدهایی است که در جلو گسترش انقلاب وجود آمده، و این سدها در حاکمیت کتونی است که بطور احصاری در دست "خرد بورژوازی سنتی واپس‌گرا" متمرکز شده است. در نتیجه، برانداختن این حاکمیت از هر راه (تکیه می‌کنیم از هر راه) تنها یک نتیجه به بار خواهد آورد، و آن هم باز شدن راه گسترش انقلاب به سود توده‌های میلیونی ریحمنگشان شهر و روستا است.

استیاء این تحلیل در دو مورد عمده و تعیین کننده است: یکی شناخت نادرست از ویژگی‌های خرد بورژوازی و دیگری کم بها دادن به خطر بازگشت تسلط امپریالیسم و ارتجاع و سازشکاران. در مورد ماهیت و خصوصیات حاکمیت کتونی باید گفت که، این حاکمیت به طور عمده ساعده اقتدار خرد بورژوازی است. ولی این هم بطور قاطع درست است که این خرد بورژوازی دارای حصلت دوگانه است: هم حصلت انقلابی دارد، یعنی در شرایط صهیون ما، حصلت صدامپریالیستی، آزادی خواهانه و ضد سرمایه‌داری و ضد بزرگ مالکی دارد، و هم حصلت محافظه کارانه و واپس‌گرایانه. این دو خاصیت هم در تمام افسار و گروه‌های خرد بورژوازی، که اکثریت مطلق جامعه ایران را تشکیل می‌دهند، به هیچ وجه، نه بطور کلی و نه به طور مشخص، یکسان نیست. نمونه‌های مثبت و منفی حاکمیت‌های را، که نماینده اقتدار خرد بورژوازی کشور خود هستند،

در بسیاری از کشورهای در حال رشد آفریقا و آسیا، و از آن جمله در الجزایر و لیبی و سوریه می‌بینیم. در مورد مشخص حاکمیت کتونی ایران و مستگیرهای عمده حاکمیت کتونی این واقعیت را به ازان خروار رنگ سیاه می‌توان نوشت که، حاکمیت کتونی، با وجود همه کمبودها و نارسائی‌ها و نقائص و استیاءات، بیش از همه مورد کینه و دشمنی بزرگ مالکان، کلان سرمایه داران، اقتدار مرفه و ممتاز جامعه "آریستوکراسی"، هواداران سازش با امپریالیسم و ضد انقلاب وابسته به امپریالیسم، تمامی امپریالیسم و صهیونسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، و تمامی ارتجاع منطقه است، چگونه می‌توان ادعای دانش انقلابی داشت و این واقعیت را نادیده گرفت؟

به نظر ما، این تحلیل، یعنی محکوم کردن توده‌های میلیونی خرد بورژوازی به "واپس‌گرایی" و سکوت درباره نقش کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمین‌داران، ماهیتاً تحلیلی از مواضع سرمایه‌داری است، هر اندازه ظاهراً رنگ انقلابی خورده باشد. و اما درباره نادیده گرفتن خطر بازگشت تسلط امپریالیسم - به نظر ما، این استیاء ناخوشودنی است. چگونه می‌توان ادعای انقلابی بودن، و آن هم انقلابی بودن "انحصاری" را داشت و این خطر را ندیده که امپریالیسم با تمام

سروی خود می‌کوشد که سلطه دیرین خویش را در ایران برقرار کند و، به عنوان اولین گام، هدفش برانداختن همین حاکمیت کتونی - با همه ضعف‌ها و کمبودهای آن است؟

دوستان مجاهد!

واقعا دیدن این واقعیت دشوار است که: در صورت شکسته شدن آن سدهای که امروز به وسیله همین نیروهای مقاوم در مقابل بازگشت امپریالیسم، بوجود آمده است، چه خطر عظیمی نظیر ۲۸ مرداد و اندونزی و شیلی، انقلاب ایران را تهدید می‌کند؟

آیا شما واقعا به این دل خوش کرده‌اید که در صورت سروری لیبرال‌ها و درهم شکستن همین حاکمیت کتونی به "خرد بورژوازی واپس‌گرای سنتی"، لیبرال‌ها به شما و سایر نیروهای انقلابی "آزادی" خواهد داد که، حاکمیت آن‌ها را براندازند؟! آیا واقعا عیبیده دارید که اگر "ساواکی" ها و مردوران "سیا"، که امروز با تمام نیرو در جهت براندازی حاکمیت کتونی متکی به "خرد بورژوازی واپس‌گرای سنتی" عمل می‌کنند، شما را تأیید می‌کنند و نظائر آنان را مورد تشییع قرار می‌دهند، برای این است که شما بعداً همه آنان را سرکوب کنید و نابود سازید؟! آیا این گونه برداشت، ناشی از کوتاهی بیسی سیاسی و ساده‌نگری ناخوشودنی نیست؟

دوستان مجاهد!

استقاد ما به ارزیابی‌ها و برداشتهای شما به هیچ وجه به معنی آن نیست که بخواهیم نقائص، ضعف‌ها، استیاءات، کمبودها و انحطاط طلبی‌های حاکمیت کتونی را برده بوسی کیم. ما همواره و پیگیر این جنبه‌های منفی را مورد انتقاد جدی قرار داده‌ایم و می‌دهیم. ولی اختلاف نظر اساسی ما با شما این است که: ما این استیاءات را فقط در متن مبارزه عمده‌ای که خلق ما علیه امپریالیسم و ضد انقلاب، و به ویژه علیه آمریکا و مزدورانش انجام می‌دهد، درست می‌دانیم، به این معنی که عمده‌ترین هدف استیاءات ما در جهت تقویت مبارزه علیه امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ضد انقلاب داخلی و لیبرال‌های سازشکار و تسلیم طلب است، نه در جهت براندازی آن حاکمیتی که با همه نقائص و ضعف‌ها و استیاءات و کمبودها - در این مبارزه درگیر است. ما گسترش آینده انقلاب را در سمت گیری ضد امپریالیستی و مردمی‌اش، تنها و تنها زمانی ممکن می‌دانیم که ضد انقلاب - یعنی همان کسانی که شما در "بیابانه" خود "مزدوران سیا و ساواکی‌ها" نام برده‌اید - سرکوب شده باشد و لیبرال‌هایی که برای نگهداری غارتگری خود با آنان متحد شده‌اند منفرد شده باشند، نه از راه تلاش برای به حاکمیت رساندن لیبرال‌های متکی به "مزدوران سیا و ساواکی‌ها".

از تجربه تاریخی انحراف رهبری حزب کمونیست چین پند بگیرید

تجربه دردناک تاریخی انحراف رهبری حزب کمونیست چین برای همه نیروهای انقلابی جهان آموزش‌های بسیار گرانبهایی دربر دارد. در این تجربه می‌آموزیم که، رهبری حزب کمونیست چین، که اکثرشان همان کسانی بودند که ده‌ها سال در سرد زندگی و مرگ با دشمنان واقعی خلق کبیر چین و همه خلق‌های محروم جهان، یعنی امپریالیسم جهان‌خوار، شرکت داشتند، چگونه کام به کام مواضع انقلابی را ترک کردند و به سازش‌نگینی با همان دشمنان گذشته، تن در دادند و با این چرخش، بزرگترین خیانت تاریخ را به جنبش‌های مردمی و انقلابی جهان مرتکب شدند. به یاد بیاوریم که ابتدا رهبری چین به هیچ وجه از سازش با امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و ژاپن دم نمی‌زد، بلکه اولین گام انحراف، زیر شعار "امپریالیسم بر کاعدی است، باید از جنگ اتمی نرسید و آن را درهم کوبید"، برداشته شد. در این مرحله، محرکین چینی خود را "مافوق انقلابی معرفی می‌کردند و از سایر کمونیست‌های جهان می‌خواستند که هر چه زودتر جنگ را علیه دنیای امپریالیستی آغاز کنند. آن‌ها کشورهای سوسیالیستی و هر نیرویی را که آماده پذیرش این شعار ماجراجویانه نبود، "سازشکار"، "روبرویونیست"، "ترسو"، "ایورتونیست" و... نامیدند. ولی زمان و تاریخ، مانند همیشه، واقعیت را از زیر خروارها دروغ و تهمت و افترا بیرون کشید. رهبری چین تا حد سازش با امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و ژاپن و صهیونیست‌های اسرائیل و نژادپرستان جنوب آفریقا و جلادانی مانند پینوشه و خائنینی مانند سادات و ضیاء الحق به بیش تاخت. ولی رهبری چین هنوز هم ادعا می‌کند که گویا نیروهایی که با قاطعیت و استواری تمام علیه این اردوگاه غارتگران و جنایت‌پیشه‌گان درنبرد هستند، به محرومان جهان "خیانت" می‌کنند!

ما امیدواریم مبارزانی که در "سازمان مجاهدین خلق ایران" گرد آمده‌اند، دگرگونی‌هایی را که در مواضع و سمت گیری‌هایشان بوجود آمده است، بدون بیش‌داوری و با احساس مسئولیت تاریخی، مورد بررسی فادانه قرار دهند. حزب توده ایران یکبار دیگر پیشنهاد خود را تکرار می‌کند: حزب توده ایران آماده است زیر شرایطی که "سازمان مجاهدین خلق ایران" مناسب بداند، همه مسائل مورد اختلاف را با آن "سازمان" به بحث بگذارد و عیسن بحث، برای قضاوت، در اختیار افکار عمومی مردم ایران قرار داده شود. کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۱۰/۲۲

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی، ضمن طرح لایحه مربوط به پذیرش حکمیت در ارتباط با دعاوی مالی ایران و آمریکا، تاکید کرد که: «مشکل ایران با آمریکا با اشغال جاسوسخانه آمریکا شروع نشد و با دادن گروگانها هم ختم نخواهد شد. آمریکا هر چه از دستش برآید علیه انقلاب ما خواهد کرد».

در آغاز این جلسه کیاروشی، به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. وی ضمن اشاره به دلوریهای رزمندگان انقلاب در جبهه های جنوب و غرب، اظهار داشت:

«میخواهم پیامی به صدام بفرستم که اگر تصور می کند با حمله و تحمیل جنگ بر ما و با به شهادت گرفتن بهترین گلهای ما، می تواند کوچکترین بردی در این جنگ داشته باشد و ارباب آمریکایی خود را راضی کند، این خیال خامی است. بین ما و صدام و صدامیان، در جبهه خارج و ستون پنجم در داخل... جز جنگ حاکمیتی وجود ندارد. تا زمانی که عزیزان ما حاضر باشند مبارزه کنند، این جنگ ادامه دارد».

کیاروشی در قسمت دیگری از نطق خود، گفت:

«ما این جنگ را نه از طریق مذاکره و سیاست، بلکه از طریق جنگ با صدام به پایان خواهیم رساند. راه دیگری نیست».

شاهچراغی، دومین سخنران پیش از دستور گفت:

«در سفری که به خوزستان داشتم، مسائل مختلفی از پیروزیها و شور و شوقها و احیانا کمبودها را ناظر بودیم. حال می خواهم بپرسم که: آیا شورای عالی دفاع، که مسئولیت جنگ را برعهده دارد، هیچگاه بدنبال فتحها و شکستها به تحقیق نسته و مسائل را تحلیل کرده است، یا نه. آیا به فکر افتاده که بپسند سربازان غذا کار ما چرا دو ماه با امکانات محدود در سنگرها بسر بردند، بدون اینکه هیچ تحرکی در میدانها وجود داشته باشد و چه عاملی است که باعث رکود است و می گوشت تا تهاجم را محال جلوه دهد؟ اینها ناشی از ضعف فرماندهی بوده یا از اختلالها؟ چه کسانی اختلال کرده اند؟ چه عامل و عواملی منجر به شهادت بیش از ۱۰۰۰ پاسدار در هویزه و در همین حدود از سربازان رشید و خدعه تانکهای ما شده است؟ و اصولا اکنون در چه وضعی هستیم؟ بعد از پیروزی ۲۸ صفر، ما در چه وضعی هستیم؟ آیا به گزارشهای سپاه پاسداران توجه شده است؟ این گزارشهای ضد و نقیصی از کجاست؟»

ناطق سپس تاکید کرد که باید به این مسائل توجه کرد و با توجه به ویژگی اوضاع و حساسیت وضع جهان و نقشه هایی که برای ما می کشند، مسئولین گزارش در این مورد تهیه کنند. او افزود: «سزاوار است که ما این مسائل را با امام در میان بگذاریم و از او رهنمود بگیریم. آیا درست است که در این شرایط همچنان روزنامه های صبح و عصر به روحانیت مبارز به بهانه های مختلف بتازند؟ و از آنه جمعه منصوب امام به عنوان «خطبه خوانانی که سخنانشان باعث تفرقه است»، یاد شود؟ آیا تضعیف دادگاههای انقلاب در این شرایط، با وجودی که می دانیم ضعفهایی دارند، تضعیف اقدامات انقلابی و اقدامهایی که باعث پشرفت انقلاب شده، نیست؟ آیا هم صدایی با خانواده کسانی که از انقلاب صر به خوردند، نیست؟»

ناطق در قسمت دیگری از سخنان خود گفت:

«آیا سزاوار است که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از جناحهای مختلف به طعن گرفته شوند و به آنها انگهای مختلف زده شود؟ چه دستهایی در کار است؟ آیا مانعاندگان مجلس هنوز به این نتیجه نرسیده ایم که نباید از این مسائل به آسانی گذشت؟ بخصوص در جبهه های جنگ و اینکه جنگ فرسایشی و رکود در جبهه ها باعث تقویت این اقدامات می شود؟»

یونس محمدی، سومین سخنران پیش از دستور بود، که در ارتباط با مسئله تعیین حدود اختیارات نمایندگان مجلس سخن گفت، و سپس از مسئولین امر خواست که به نطقهای پیش از دستور توجه کنند.

### طرح لایحه دوفوریتی در مورد «گروگانها»

پس از پایان سخنان پیش از دستور، لایحه دوفوریتی دولت در مورد اختلافاتی که در امور مالی بین ایران و آمریکا وجود دارد، مطرح شد. در این قسمت، حسن آیت، به عنوان اینکه در این لایحه دعاوی مالی ایران مشخص نشده است، و ممکن است «ریش ما دست آمریکا بیفتد» خواستار لغو دوفوریتی این لایحه شد. در این زمینه دو مخالف و موافق سخن گفتند.

آنگاه مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی در مقام پاسخگویی اظهار داشت:

«اصولا هنوز هیچ نوع تعهدی از جانب ما و یا آمریکا به الجزایر سپرده نشده و فقط یکسری نقطه نظرهایی ارائه شده و هنوز نتیجه گیری نشده است. بالطبع چنانچه در این فاصله هیئت نمایندگان تغییر کنند، چه بسا که دولت های جدید سلیقه های دیگری داشته باشند. البته باید صریحا بگویم که از نظر دولت، فرقی بین کارتر و ریگان نیست و هر چه دولت کنونی آمریکایی گوید، با توافق دولت ریگان است و اینها جنبه نمایشی دارد. ولی این را هم می دانیم که اگر این گفتگوها به جای نرسد، در زمان دولت بعدی هم گفتگوها

### وزیر مشاور در امور اجرائی، در جلسه علنی دیروز مجلس گفت:

# امریکا هر چه از دستش برآید علیه انقلاب ما می کند

مشکل ایران با آمریکا با اشغال جاسوسخانه آمریکا شروع نشد و با دادن گروگانها هم ختم نخواهد شد. ماده واحده پذیرش حکمیت در دعاوی مالی ایران با آمریکا، با افزودن یک تبصره، تصویب شد.

ادامه می یابد. قصد ما جلوگیری از اطلاع مطلب بود. ضمنا ما اصل ارجاع به حکمیت را می خواهیم از مجلس اجازه بگیریم، ولی در مورد دعاوی مختلف مجددا تایید مجلس لازم است».

سپس در مورد پیشنهاد آیت رای گرفته شد، که به تصویب نرسید. آنگاه دکتر هادی با دادن توضیحاتی اخطار حسن آیت را مردود شمرد و تاکید کرد که باید حکمیت صالحی وجود داشته باشد که طرفین آن را قبول داشته باشند. سپس امین قاضی به عنوان مخالف این طرح سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«ما با اعلام آن چهار شرط به دنیا اعلام کردیم که هدف ما از گروگانگیری احتیاق حقایق آزادی است. حالا هم باید پای این شرطها بایستیم. در آن شرطها گفته شده بودند که وقتی گروگانها آزاد می شوند که آمریکا همه تصیقات علیه ایران را لغو کند... این مسئله با اکثریت آراء به تصویب رسید، در حالی که این لایحه تناقض آشکار با مصوبه خود ما دارد. مسئله دیگر مربوط به مذاکره است که مجلس آن را با اکثریت قاطع رد کرد. این افتخار مجلس بود. ما به دولت موقت حمله می کردیم که باب گفتگو با یک آمریکایی را باز کرده و ما باید این باب را می بستیم. این باعث سوء استفاده مخالفین است و من به دولت هشدار می دهم که مواظب چنین موضعی باشند».

### امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند

ناطق سپس در مورد تغییر دولت آمریکا و اثرات آن، با اشاره به یکی از سخنان امام خمینی، گفت:

«ما باید جویری رفتار کنیم که طمع دشمن را برنیانگیزد. ما هر چه نرمی نشان دهیم دشمن، آمریکا، که می خواهد به حاکمیت ملی ما لطمه بزند، دندانهای را تیزتر می کند. ما باید شعارهایی که امام با آنها انقلاب را به اینجا رساند و گفت که آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند، پای بند باشیم. ما نباید از دستهای اینها بهراسیم که نمی هراسیم».

فضل الله محلاتی، اولین موافق این طرح، ضمن سخنانی، از جمله گفت:

«ما دآوری را می خواهیم انتخاب کنیم، بیش از این مسئله ای نیست. هیچ نوع تسلیمی در مقابل آمریکا نیست که ما احساسی ذلت کنیم. ریگان که در مصاحبه های گفته فعلا امام قدرت سابق را ندارد و دولت هم در ایران قدرتی ندارد، و ما منتظر آمدن دولت میانه روتری هستیم... ریگان باید بداند که نمی تواند از اختلافات جزئی بهره برداری کند. روزی که با گرفتن لانه جاسوسی آمریکا، فریاد مردم ایران بلند شد، دفتر دولت سازشکاری که بخواهد با آمریکا صحبت کند بسته شد. دیگر هیچ دولتی در ایران، با این رهبر و این ملت، قدرت سازش با آمریکا را نخواهد داشت. ولی الان صحبت سازش نیست، ما به دولت اجازه داده ایم و دولت بر آن اساس این طرح را مطرح کرده است».

ناطق سپس افزود: «از این گذشته ما باید حقایق را بگیریم. حق که نه، چون حقوق ما در این چیزها خلاصه نمی شود. فقط خواستیم فعلا حقوق قانونی ما را بدهند والا کشوری که این همه جنایت کرده، و الان هم توطئه می کند و گفته است که بعدا علنا از عراق حمایت می کند، برژینسکی را به خور میانه فرستاده... ما با اینها مذاکره نداریم. استقامت ما در برابر آمریکا همیشه خواهد بود و ما دیگر سلطه ای را نمی پذیریم».

نصرالهی، مخالف بعدی، چنین استدلال کرد:

«ما چهار شرط برای آمریکا گذاشتیم... در این شروط دعاوی

۱۰ به قبل و بعد از گروگانگیری مربوط نیست. امام می گوید: همه بدبختیهای ما از آمریکا است. آمریکا در مذاکرات مدعی شده است که اموال ما را آزاد می کند فقط يك اشکال کوچک دارد و آن اینکه از نظر حقوق آمریکا بعضی امور در اختیار ما نیست. سؤال من این است که آیا دعاوی شرکت های آمریکایی قبل از گروگانگیری هم وجود داشت یا خیر؟ در حقیقت اموال ما از قبل مسدود شده بود و مسئله این است که آمریکا هیچ حسن نیتی از خود نشان نداده است. آنها دارند اینقدر مسئله را کش می دهند که اشرف و بقیه دارند اموال شاه را از حوزه قضایی آمریکا خارج می کنند».

آمریکا از هم اکنون شرایط مجلس را زیر پا گذاشته است

نصرالهی گفت: «یکی از شرایط ما این بود که آمریکا در ایران مداخله نظامی نکند. همین الان جوانهای ما دارند در جبهه ها کشته می شوند. ما هم که می گوئیم این جنگ با عراق نیست، با آمریکا است. دست آمریکا در سیستان و بلوچستان و کردستان... دیده می شود. از طرف دیگر هر روز توطئه های رنگارنگ عمال آمریکا سرمایه داران وابسته، فتوئالها... در نقاط مختلف کشور دیده می شود. این هم مداخله. بنابراین چهار شرط از طرف آمریکا زیر پا گذاشته شده و بعد از تصویب مجلس آمریکا هیچ قدمی در این راه برنداشته است. و ظرفیته ما را به جایی کشانده است که فقط رسیدیم به پول و حالا هم در دنیا عنوان می کند که يك ملت وحشی چند انسان متعفن را گرفته و حالا می گوید پول بده تا اینها را آزاد کنم! این جنگ روانی علیه ماست، مایبی که می گفتیم که آمریکا باید جواب جنایات ۳۵ ساله خود را در ایران بدهد».

نصرالهی در قسمت دیگری از سخنان خود اظهار داشت:

«به این مسئله فکر کنید و ببینید آیا بعد از این همه غزتها ما به آمریکا بدهکاریم یا آمریکا به ما؟»

سپس مذاکرات مجلس ادامه یافت و موافقین و مخالفین نظرات خود را ابراز داشتند. وزیر مشاور در امور اجرائی در پاسخ ایرادات نمایندگان مخالف گفت:

«ما همه می دانیم که آمریکا هر چه از دستش برآمده و برآید در رابطه با انقلاب اسلامی ما کرده و خواهد کرد. یعنی مسئله ملاحظه يك جناح مطرح نیست. مشکل ما با آمریکا با اشغال جاسوسخانه شروع نشد و با دادن گروگانها هم ختم نخواهد شد. ولی ما در این مدت به پیروزیهای بزرگی رسیدیم و نباید گفت که «حالا به اینجا ختم شده است». به اعتقاد ما اشغال جاسوسخانه به پیروزیهای خود رسیده است. داشته تعهدی را که آمریکا نوشته به الجزایر داده می خواندیم. دیدم از نظر سیاسی اشغال جاسوسخانه يك مجموعه افتخار آفرین برای ما بوده که آمریکا را به جایی کشانده ایم که چنین چیزهایی بنویسد. بنویسد که از این پس دیگر در امور ایران دخالت نخواهیم کرد... اینها در واقع آن پیروزیهایی است که ما بدست آوردیم. اگر بخواهیم مسئله را به بعد اقتصادی قضیه بکشاییم، باید بگویم که ما پوزه آمریکا را با اشغال لانه جاسوسی به خاک مالیدیم. ما اعتماد به نفس درملل مستضعف جهان بوجود آوردیم. در داخل مملکت با این کار تحول ایجاد کردیم و حرکت هایی را که در جهت نوعی همکاری با شیطان بزرگ پیش می رفت، متوقف کردیم. ولی طبیعی است که در يك مرحله ای باید این مسئله را به انجام برسانیم».

### لایحه تصویب شد

در پایان مذاکرات دیروز، با افزودن يك تبصره، لایحه رجوع به حکم، در مورد اختلافات ایران و آمریکا، تصویب شد. متن تبصره به شرح زیر است:

«در مورد اختلافاتی که رسیدگی در محاکم صالحه ایران در قرارداد مربوط پیش بینی شده است، از شمول این ماده واحده مستثنی است».

### در حاشیه مجلس

#### جان گروگانها یا منافع جنرال موتورز؟

مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی، هنگام بحث درباره جزئیات لایحه گفت:

«اولا بگویم آمریکا خیلی دلش نمی خواهد این مساله حل شود. با اطلاعی که ما داریم، می دانیم آمریکا خیلی تمایل به حل این مساله ندارد. ثانیا اصلا آمریکا برای این ۵۲ نفر کوچکترین ارزشی قائل نیست. شما فکری کنید این ۵۲ نفر مساله خیلی مهمی است برای آمریکا و تادست اینها، دست ما باشد، کمپانی جنرال موتورز از يك قرانش می گذرد یانمی گذرد؟! این مساله نیست».

#### لیبرالها... لیبرالها...

وقتی یکی از نمایندگان در سخنان خود گفت: «ویگان گفته است ما منتظر سرکسار آمدن دولت میانه روتری در ایران هستیم».

از گوشه و کنار مجلس زمزمه بلند شد:

— لیبرالها... لیبرالها...

مازمان حزب در شاهرود ۲۵۰۰۰ ریال	علاقمدان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.
پدرش ۴۲۰ ریال	
نازلی برای حزب پدرش از ۴۲۰۰۰ ریال	
گرگان ۳۰۰۰۰ ریال	
عاج	

### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

۱۵۰۰ ریال

تمام کارکنانها و سیمایشی های دشمنان اسلام و استقلال کشور، کارآیی و آمادگی رزمی نیروهای مسلح اسلام بحد کافی و کامل رسیده، بتوانند تمام خطرات و تهدیدهای نظامی دشمنان را در نطفه خفه سازند».

یکوشند هر چه زودتر سپاه پاسداران، این جوانان عزیز جان برکفرا، که با تمام وجود از دستاوردهای انقلاب و وطن اسلامی دفاع میکنند، به انواع اسلحه های سنگین و مدرن آموزش داده، تا به خواست خدای بزرگ، علیه غم

ساحه کاریهایی... اینجانب باز یکس مسئولین مربوطه را به این امر مهم توجه میدهم و از آنان میخواهم به منظور تقویت روحیه ارتس و سیه و بوجه آوردن زمینه هماهنگی کامل نظامی در صحنه های جنگ،

# « نهضت آزادی ایران » و « اخلاق اسلامی »

★ نهضت آزادی ایران که با انتساب فقید آیت‌الله طالقانی یغود، در کوشش برای کسب اعتبار است، خوبست بیاد بیاورد که آیت‌الله طالقانی «جماق کمونیسم» را سلاح دربار تنگین پهلوی میدانست.

«وقتی اصالت به سوء ظن داده شد و وقتی پیشاپیش همه مردم را دغل و دروغگو و مکار و وابسته و خیانتکار و توطئه‌چین دانستیم، و هنگامیکه همگان را مریض فرض کردیم و هر کدام را خودسرانه در خطی انحرافی قرار دادیم، البته کار ییاحصلی به آنجا خواهد کشید که بجای همدلی و برادری و رفاقت، کسانی باید بنشینند و برای پیش‌دواریها و پیش‌فروشیهای خود دلیل بتراشند و چون قبلا فرض بر ناپاکی دیگران است...»

حزب توده ایران که بهیچ روی نمیتواند و نمی‌خواهد با آن مشی سیاسی که نویسنده این مطالب، یعنی آقای مهندس بازرگان، نماینده آن است، همدلی و رفاقت داشته باشد، با مضمون این مطلب، که در سرمقاله ۱۸ دیماه ۵۹ روزنامه «میزان» چاپ شده است، یعنی با شیوه اصولی مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک بدون دشنام و افترا - موافقت کامل دارد. این توافق، چنانکه بر همگان روشن است، ریشه در مشی انقلابی و اصولی حزب توده ایران دارد. همانطور که تاریخ حزب ما نشان داده است، توده‌ای‌ها با دشنام و افترا و تهمت مخالفانند و حتی با دشمنان سیاسی خود، یا زبان‌انقلابی، یعنی براساس شواهد، واقعیات و اسناد سخن می‌گویند. این واقعیت را حتی دشمنان حزب توده ایران نمی‌توانند انکار کنند.

رهبان «نهضت آزادی ایران» در ادامه مقاله

بالا می‌نویسد:

«هیچگاه مسلمانی بحکم احکام اخلاق اسلامی و به رعایت حقوق برادری و اخوت ایمانی و براساس اصل برائت، بخود اجازه سقوط در چنین ورطه خطرناکی را نخواهد داد.» (همانجا)

حزب توده ایران که خود هرگز در «ورطه خطرناک» افترا و دروغ نیفتاده و با تکیه به اخلاق انقلابی خود، هرگز هم نخواهد افتاد، بسیار خرسند خواهد شد که مخالفان آنهم، نه بر شالوده اخلاق انقلابی ما، بلکه براساس اعتقادات خود - اگر فقط ادعا نیست - که از جمله در سخنان بالا آمده و اجتناب از آن، عدم رعایت اخلاق اسلامی، تعبیر شده، در این ورطه نیافتند.

متأسفانه باید بگوئیم که این آرزوی حزب توده ایران هنوز برآورده نشده است و مشی دشمنان و مخالفان حزب ما، چیزی غیر از تهمت، دروغ، افترا و فحاشی نیست. راه دور نمی‌رویم. به سوابق تاریخی و ریشه دشنام‌ها و افتراها به حزب توده ایران، که مبتکر آن است و توسط جلاذاتی چون «سرلشکر بختیار» و «سرهنگ زبانی» اجرا شده، نمی‌پردازیم. ما این سخنان را با بیانات «شاهانه» درباره حزب توده ایران و آنچه که سرلشکر باتماقلیچ، همین چند هفته پیش در دادگاه انقلاب علیه حزب توده ایران گفت، مقایسه نمی‌کنیم. اجازه بدهید دو روز بعد از نوشتن سرمقاله بالا در روزنامه «میزان»، باز هم سراغ این روزنامه برویم و در صفحه دوم آن، در روز ۲۰ دیماه، به «نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران» به مسئولین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» مراجعه کنیم:

«... و یا اصولاً چرا اسمی از بسیاری از احزاب وابسته چون حزب توده، حزبی که خیانتش را بارها تجربه کرده‌ایم، نمی‌آورده؟» بگمان ما، قیاس این تهمت‌ها، که حتی در آن اکتفا هم دیده نمی‌شود و همچنان جایزه ابتکار آن به سواک و سیاق تملق دارد، با سرمقاله دو روز قبل رهبان «نهضت آزادی ایران» در روزنامه ارگان این «نهضت»، نشان میدهد

که آقایان تا چه حد به «اخلاق اسلامی» که خود مدعی‌اش هستند، پایبندند و تا چه حد از سقوط در آن «ورطه خطرناک» خودداری کرده‌اند.

بعلاوه، «نهضت آزادی ایران»، که این چنین ناروا و بی‌پروا، به حزب توده ایران، حزبی که طی حیات چهل ساله خود هزاران قربانی در راه استقلال و آزادی و ترقی ایران داده و هم‌اکنون نیز فرزندان خلف و قهرمانش در جبهه‌ها برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، می‌جنگند و شهید میشوند، افترا می‌زند، آیا از یاد برده است که درباره عناصر خائن چون امیرانظام‌ها، بختیارها، نرزه‌ها، مقدم‌مراه‌های‌ها که یا از اعضای «نهضت آزادی ایران» بوده‌اند و یا از دوستان نزدیک آن - یا اظهارنظر نکرده و یا حتی کوشیده است خیانت آنها را توجیه کند؟ هنوز هم این سؤال برای مردم ایران مطرح است که: بالاخره بختیار «رفیق دیرینه» رهبان «نهضت آزادی ایران» است یا خائن است؟ تریه «دشمن» میکند یا خیانت؟ ... از این قبیل سئوالات - اگر «نهضت آزادی ایران» آماده پاسخ‌گفتن باشد، فراوان است.

از این گذشته، «نهضت آزادی ایران»، در حالیکه با انتساب آیت‌الله طالقانی به خود، در کوشش برای کسب اعتبار است، نه تنها مشی انقلابی این مبارز بزرگ را دنبال نمی‌کند، نه تنها برخلاف آیت‌الله طالقانی در مقابل

انقلاب ایران ایستاده و سعی در جلوگیری از تعمیق آن دارد، بلکه درست آن مشی را دنبال می‌کند که آیت‌الله طالقانی طراح و مبتکر آنرا دربار تنگین پهلوی معرفی کرده است: «جماق کمونیسم»!

آیت‌الله طالقانی روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ در مراسم بزرگداشت دکتر مصدق گفت:

«داستان ۴۸ مرداد پیش آمد. خوب شد؟ خوب نتیجه‌ای گرفتیم؟ بهره بردیم؟ نباید این تاریخ برای ما تجربه باشد؟ من وقتی به مسجد آمدم، آن قدر نامه بعنوان چپ‌ها و توده‌ای‌ها - البته بعنوان آنها - با شماره‌های آنها، ترا می‌کشیدم، همه آخوندها را میکشیدم، بصادران می‌زدم بین ۲۵ تا ۴۸ مرداد، اگر در راه ما مقاومت کنید، چه و چه می‌کنیم، و برای مراجع دیگر فرستادند. من این را می‌دانستم. ما می‌دانستیم این دروغ و دسیسه است که کمونیسم میخواهد مسلط شود و دین را می‌خواهد از بین ببرد. عده‌ای داد «والله اسلام» شان بلند شد و عده دیگر با شعارهای این طرفی‌شان»

(۱۵ اسفند - ۱۳۵۷ روزنامه‌های تهران) آیت‌الله طالقانی در سخنرانی خود در شب اربعین (دیماه ۱۳۵۷) بصراحت گفت که این اعلامیه‌ها توسط دربار تنگین پهلوی تهیه و پخش میشده است. (به نقل از کتاب «طالقانی و تاریخ»)

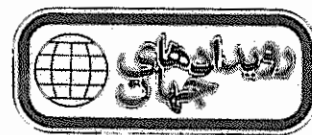
براستی اگر «نهضت آزادی ایران» آیت‌الله طالقانی را از بنیانگذاران خود میدانند، چگونه است که توطئه‌ای را، که آن مبارز بزرگ افشا کرده است، بیکرانه دنبال میکنند؟ لیبرال‌ها و از جمله «نهضت آزادی ایران»، پیوسته به حزب توده ایران دشنام می‌دهند و افترا می‌زنند، که «نامه سرگشاده» به مجاهدین انقلاب اسلامی، تا این لحظه، آخرین آنهاست. براستی که میتوان علیه این همه افترا اعلام جرم کرد. اما حزب توده ایران اعلام جرم نمی‌کند چون فایده ندارد، زیرا ظاهراً دشنام‌گویی و افترازی به حزب توده ایران جرم نیست، ولی تاریخ خود بزرگترین تشخیص‌دهنده جرمها و خود تنها مجری مجازات است. مجازاتی که حذف طبقات می‌رند و نیروهای مخالف توده‌ها، از صحنه مبارزه سیاسی است.

## برای درهم کوبیدن انقلابیون

### بفرمان امریکا، ارتش‌های مزدورگواتمالا و هندوراس وارد السالوادور شدند

★ بیش از ۲۰ هزار نفر از کارکنان دولت به اعتصاب عمومی پیوسته‌اند...

★ این مداخله مسلحانه بخشی از تجاوز نظامی مستقیم آمریکا در السالوادور است.



### مستشار نظامی

### آمریکائی، رهبر

### «مبارزان افغانی»

رسانه‌های گروهی هند به نقل از مقامهای آگاه افغانی اعلام کردند که نیروهای زمینی افغانستان و گروههای مسلح خلق، یک مستشار آمریکایی را در جنوب افغانستان بقتل رسانده‌اند. یک خبرگزاری هند گزارش داد که در جریان درگیری میان نیروهای مسلح افغانستان و واحدهای مسلح خلق در ایالت زاپو با گروهی از مزدوران ضد-انقلابی، عده زیادی از این مزدوران و همچنین یک مستشار آمریکایی، که رهبری این باند را در دست داشت، کشته شدند.

از سوی دیگر، روزنامه آمریکائی «فیلادلفیا اینکوییرر»، فاش کرد که آمریکا تصمیم گرفته است کمک به «مبارزان» افغانی را افزایش دهد. به نوشته مطبوعات آمریکائی، این کشور سلاحهای ضدتانک و ضد هوایی در اختیار ضدانقلابیون افغانی در پیشاور در پاکستان، قرار میدهد.

## نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دفتر نامه «مردم»  
هنوز در اختیار  
نامه «مردم» نیست)

NAMEH  
MARDOM

No. 420  
15 January 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی  
۱۴/۳۵۵۹، منطقه  
پستی تهران

رژیم هندوراس نیز، قسمتی از سربازان ویژه ضدچریکی خود را، که در پایگاه آمریکا در پاناما آموزش دیده‌اند، روانه السالوادور کرده است و مزدوران طرفدار آناستاز یاسوموزا، دیکتاتور معدوم نیکاراکوئه و ضدانقلابیون کوبائی نیز، با کمک آمریکا، به آن کشور انتقال یافته‌اند. «جبهه دمکراتیک انقلابی» السالوادور با انتشار بیانیه‌ای، اعلام کرد:

«مداخله مسلحانه رژیم‌های ارتجاعی گواتمالا و هندوراس، بخشی از طرحهای امپریالیسم آمریکا برای نجات رژیم نظامی السالوادور است.»

### تشکیل بریگاد بین‌المللی برای کمک به انقلابیون

در این میان، کمیته مکزیک هیستکی با خلق السالوادور اعلام کرد:

«برای پشتیبانی از انقلابیون آن کشور، یک بریگاد بین‌المللی تشکیل شده است.»

رئیس این کمیسیون، در جریان تظاهراتی در مقابل سفارت آمریکا در شهر مکزیکو، که طی آن، مداخله امپریالیسم آمریکا در السالوادور، محکوم شد، تشکیل این بریگاد را اعلام کرد.

مردم السالوادور، علیرغم تمام توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و مداخلات نظامی دست‌نشاندهانش در کشور، قطعاً نبرد خود را برای سرنگونی رژیم فاشیست السالوادور ادامه می‌دهد و در این مبارزه از پشتیبانی نیروهای انقلابی در سراسر جهان برخوردارند.

## خلق نامی بیا، مبارزه مسلحانه خود را تشدید خواهد کرد

«در صورتی که کنفرانس ژنو بر اثر خرابکاری آفریقایی جنوبی و دست‌نشاندهان آن به نتیجه نرسد، «سوابو» خواستار اعمال مجازات‌های اقتصادی همه‌جانبه علیه آفریقایی جنوبی خواهد شد.»

لازم به تذکر است که کنفرانس ژنو برای استقلال نامی بیا، با نظارت سازمان ملل متحد تشکیل شده است، ولی نژادپرستان آفریقایی جنوبی، که سالهاست نامی بیا را در اشغال خود دارند، به بهانه‌های مختلف تلاش دارند کنفرانس را با شکست روبرو سازند.

انقلابیون السالوادور، تهاجم وسیع و همه‌جانبه خود علیه مزدوران آمریکایی حاکم بر این کشور را ادامه می‌دهند. نیروهای مسلح خلق توانسته‌اند با حمایت همه‌جانبه مردم، شهر «سانفرانسیسکو گوتز» را از تصرف ارتش مزدور السالوادور خارج کنند. عملیات نظامی نیروهای انقلاب در حالی شدت می‌گیرد که اعتصاب عمومی اعلام شده در این کشور، روز به روز گسترش می‌یابد. صدها کارخانه، کارگاه و بسیاری از بانکها و ادارات تعطیل شده و خطوط اتوبوسرانی شهر سان‌سالوادور، پایتخت کشور، از کار افتاده است. تعداد کارمندان دولت، که به حمایت از درخواست اعتصاب عمومی از سوی جبهه آزادیبخش ملی السالوادور (فارا بوند و مارتی) و جبهه دمکراتیک انقلابی، اعلام شده، بیش از ۲۰ هزار نفر اعلام شده است.

«جبهه دمکراتیک انقلابی» اعلام کرده‌است که ارتش مزدور گواتمالا، نیروهای خود را وارد یکی از استانهای کشور کرده‌است. مقام‌های آمریکائی اعلام کرده‌اند که، کارتر تصمیم دارد کمک نظامی خود را به دارو دسته نظامی حاکم بر السالوادور افزایش دهد. اعلام رسمی این خبر از سوی مقامهای آمریکائی، گواه تشدید فعالیت آمریکا برای مداخله مستقیم نظامی در السالوادور است. این مداخله نظامی با کمک ارتش‌های دست‌نشانده گواتمالا و السالوادور صورت خواهد گرفت.

گزارشهای رسیده حاکیست که واحدهای ارتش مزدور گواتمالا، که وارد السالوادور شده‌اند، به سوی شهر «سانته آنا» که تحت کنترل نیروهای انقلابی است، پیش می‌روند. این گزارشها نشان می‌دهد که

سام نجوما، رهبر «سازمان خلق آفریقایی جنوب غربی» (سوابو) در مصاحبه مطبوعاتی که در ژنو برگزار شد، درباره نتیجه تلاشهایی که نژادپرستان آفریقایی جنوبی در جهت بن‌بست کشاندن کنفرانس ژنو بعمل می‌آورند، گفت: «اگر کنفرانس ژنو بر اثر کارشکنی نژادپرستان آفریقایی جنوبی با شکست روبرو شود، خلق نامی بیا، مبارزه مسلحانه خود علیه اشغالگران را گسترش خواهد داد.» نجوما همچنین افزود: